



## مبانی اندیشه اسلامی (۲)

کد: ۱۰۲/۱

نماینده‌ی ولی فقیه در سپاه

پژوهشکده تحقیقات اسلامی



پژوهشگاه تحقیقات اسلامی  
ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه اسلامی

نام کتاب: مبانی اندیشه اسلامی (۲) کد ۱۰۲/۱
تهیه کننده: پژوهشگاه تحقیقات اسلامی
نویسندگان: عبدالله ابراهیم زاده آملی - جعفر کریمی
علیرضا علی نوری و سعید سبحانی
ناشر: معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
حروفچینی و صفحه آرای: پژوهشگاه تحقیقات اسلامی
چاپ: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه
تاریخ انتشار: پاییز ۱۳۹۰
تیراژ: ۱۰۰۰

## فهرست

پیش‌گفتار.....	۷
مقدمه.....	۹

### درس اول: نقش ایمان به معاد در زندگی

الف- در زندگی فردی.....	۱۲
ب- در زندگی اجتماعی.....	۱۳
۱. امنیت اجتماعی.....	۱۳
۲. ساماندهی به مسائل اقتصادی.....	۱۴
۳. تقویت روحیه نظامی.....	۱۴
۴. امانت در حکومتداری.....	۱۵
یاد معاد.....	۱۶

### درس دوم: حقیقت مرگ و علل ترس از آن

حقیقت مرگ.....	۱۷
تعبیر قرآنی.....	۱۸
مرگ در روایات.....	۱۹
علل ترس از مرگ.....	۲۰
الف. دل‌بستگی شدید به دنیا.....	۲۰
ب. هراس از نیستی.....	۲۰
ج. ترس از کیفر اعمال.....	۲۱
د. فراهم نکردن توشه آخرت.....	۲۱
راه‌های زدودن ترس از مرگ.....	۲۲
معصومین و آرزوی مرگ.....	۲۳

## درس سوم: زمان احتضار

- ۲۵..... سکرات مرگ
- ۲۶..... جان دادن
- ۲۷..... مشاهدات محتضر
- ۲۷..... ۱. دیدن فرشته مرگ
- ۲۸..... ۲. مشاهده پیامبر و ائمه (ع)
- ۲۹..... ۳. مشاهده جایگاه اخروی
- ۲۹..... ۴. رؤیت اعمال
- ۳۰..... ۵. حاضر شدن شیطان
- ۳۱..... ایمنی ولایت مداران

## درس چهارم: برزخ

- ۳۳..... قرآن و مسئله برزخ
- ۳۴..... رخدادهای عالم برزخ
- ۳۴..... بدن برزخی
- ۳۵..... قبر در روایات
- ۳۶..... سؤال قبر
- ۳۷..... تجسم اعمال
- ۳۸..... رابطه برزخیان با عالم دنیا
- ۳۸..... ۱. دیدار با خویشان
- ۳۹..... ۲. رسیدن خیرات و هدایا به مردگان

## درس پنجم: رستاخیز

- ۴۱..... رخداد عظیم
- ۴۱..... الف. شیپور پایانی
- ۴۲..... ب. زلزله شدید
- ۴۲..... ج. درهم پیچیده شدن آسمان ها
- ۴۳..... سرعت غافلگیر کننده
- ۴۴..... مردم در صحنه محشر
- ۴۵..... سنجش اعمال در قیامت
- ۴۷..... پرونده اعمال

**درس ششم: حشر انسان با چهره حقیقی**

کیفیت حشر مجرمان در قرآن .....	۴۸
کیفیت حشر مجرمان در روایات .....	۵۰
کیفیت حشر پرهیزکاران در قرآن .....	۵۱
کیفیت حشر پرهیزکاران در روایات .....	۵۲
امان یافتگان از وحشت قیامت .....	۵۴
شاکیان قیامت .....	۵۴

**درس هفتم: دادگاه الهی و شفاعت**

الف - دادگاه الهی .....	۵۶
ویژگی‌های دادگاه الهی .....	۵۷
مدت رستاخیز .....	۵۹
ب - شفاعت .....	۶۱
حقیقت شفاعت .....	۶۱
شفاعت کنندگان .....	۶۲
محرومان از شفاعت .....	۶۴

**درس هشتم: دوزخ و بهشت**

الف - دوزخ و دوزخیان .....	۶۶
حقیقت دوزخ .....	۶۶
شگفتی‌های دوزخ .....	۶۸
دوزخیان .....	۶۸
خلود و خروج .....	۷۰
ب - بهشت و بهشتیان .....	۷۱
عناوین بهشت .....	۷۲
مراتب بهشت .....	۷۳
پاداش بهشتیان .....	۷۴
شرایط ورود به بهشت .....	۷۶
منابع و مأخذ .....	۷۸



## پیش‌گفتار

تعلیم و تربیت دینی و انقلابی کارکنان سپاه در جهت تقویت و ارتقای معرفت، ایمان و توانمندسازی و توسعه دانش و بینش آنان رسالتی است بس بزرگ که برعهده معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نهاده شده است.

تحقق عمده این مأموریت خطیر در پرتو نظام آموزش کارآمد و بالنده امکان‌پذیر می‌شود تا زمینه ارتقای روحی و معنوی و تقویت دانش، بینش و منش اسلامی کارکنان سپاه را فراهم آورد و پاسدارانی مؤمن، بصیر، شجاع و آگاه تربیت کند که از ایمان و معنویت، معرفت دینی و بصیرت انقلابی لازم برخوردار باشند.

چنانکه مقام معظم رهبری فرموده‌اند:

مسئله آموزش در همه جا مهم است ولی در سپاه از اهمیت مضاعفی برخوردار است. اگر در سپاه پاسداران آموزش‌های قوی در مسایل عقیدتی سیاسی وجود نداشته باشد دیگر سپاه را به عنوان بازوی توانای انقلاب اسلامی نمی‌توان مطرح ساخت حرکت سپاه یک حرکت مستمر است و اگر قرار باشد این حرکت باقی بماند افراد سپاه باید آموزش دیده باشند و کسانی که این مهم را به عهده دارند شما هستید.<sup>۱</sup>

با توجه به اجرای «نظام تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی سپاه» از سالیان اولیه تأسیس این نهاد انقلابی و ضرورت بازنگری و بهینه‌سازی آن در چارچوب تدابیر فرمانده معظم کل قوا حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی) و براساس راهبردهای تحول و تعالی سپاه، نظام تربیت و آموزش مورد بازبینی و تجدید نظر قرار گرفت. نظام جدید گرچه به امر خطیر آموزش

---

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۵/ ۳/ ۱۳۶۳.

و تقویت دانش عقیدتی سیاسی پاسداران توجه کافی مبذول شده است اما رویکرد اصلی آن تربیت محوری و معنویت‌افزایی بوده و سرفصلهای آموزشی آن نیز بر این اساس تنظیم شده است.

یکی از دوره‌های مهم آموزشی که در نظام جدید مورد توجه قرار گرفته است آموزشهای طولی پاسداران، بسیجیان و سربازان است که به معرفت‌افزایی نسبت به معارف پایه‌ای اسلام و مباحث بنیادی با رویکرد تربیتی می‌پردازد.

هم‌اکنون کلیه دوره‌های آموزشی سپاه در حال بازنگری و بازبینی است و طبیعی است که در تدوین موضوعات و سرفصلهای آموزشی، ارزشیابی، بازخوردگیری، و در نهایت اصلاح یا تغییر سرفصلهای آموزشی امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. کتاب حاضر تا قبل از بازنگری و تدوین متون جدید در دوره‌های طولی سپاه تدریس می‌شود.

مسئولیت تهیه و تدوین متون آموزشی مورد نیاز نمایندگی ولی فقیه در سپاه به عهده پژوهشکده تحقیقات اسلامی است. این متون با توجه به سطح معلومات، نیازها و تخصص نیروهای آموزشی، در گروههای تحقیقاتی پژوهشکده تدوین و پس از طی مراحل اعتباربخشی محتوایی و شکلی به تأیید نماینده ولی فقیه در سپاه و یا نماینده ایشان می‌رسد.

پیشنهادهای و تجربیات مربیان ارجمند و متریان گرامی، در رفع کاستی‌های متون آموزشی راهگشا و مشوق ما در رفع کاستی‌های متون آموزشی خواهد بود.

**معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی**  
**نمایندگی ولی فقیه در سپاه**



## مقدمه

عقاید و اندیشه‌های بنیادی اسلام که از آنها به عنوان اصول عقاید یاد می‌شود پایه و اساس آیین حیاتبخش اسلام را تشکیل می‌دهند و در شکل‌گیری رفتار مسلمانان اثر می‌گذارند، زیرا به طور کلی رفتار انسانها - خود آگاه یا ناخود آگاه - تحت تأثیر اصول عقاید و به عبارت دیگر، جهان بینی قرار دارد.

از این رو، برای استقرار و تثبیت نظام ارزشی و رفتاری اسلام، باید مبانی عقیدتی آن مورد بررسی قرار گیرد.

اگر دین را به درختی تناور و بارور، تشبیه کنیم، مبانی عقیدتی، به مثابه ریشه‌های آن هستند. این ریشه‌ها باید در پرتو چراغ عقل، در اعماق قلب انسان پابرجا گردد تا میوه‌های شیرین و گوارا (اعمال صالح) به بار آید و سعادت و خوشبختی انسان در دو جهان تأمین شود.

از آنجا که خدای متعال، ما را به نیروی عقل و اندیشه، مجهز ساخته، باید در نظام آفرینش، تأمل و تدبّر کنیم تا به حکمت خداوند پی ببریم. از این رو، تحقیق و شناخت مبانی عقیدتی و دقت در محتوای دعوت پیامبران و توجه به معجزات آنان، باید به کمک عقل انجام گیرد. تقلید از دیگران بدون سنجش عقلی، در مورد عقاید، محکوم است.

دانشمندان اسلامی، از نخستین سالهای ظهور اسلام، به تبیین عقاید اسلامی پرداختند و کتابهایی در علم کلام، در سطوح مختلف، به رشته تحریر درآوردند و در اختیار همگان قرار

داده‌اند. به تناسب مسائلی که در هر عصر، مطرح بود، در میان اغلب فرقه‌های اسلامی، متکلمان نامدار و مشهور، ظهور کردند و به بحث و بررسی مسائل کلامی پرداختند. کتاب و آثار برجای مانده از آن بزرگان، با آنکه از نظر محتوا غنی و سودمند است، اما چون مطالب آنها دسته بندی و کلاسیک و متناسب با نیازهای فکری عصر جدید و نسل جدید نیست، در امر آموزش کلاسیک نمی‌توان از آن بهره گرفت.

از این رو، تهیه و تدوین کتابهایی متناسب با پیشرفت علوم و نیازهای فکری نسل جوان، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

کتاب حاضر، در راستای همین هدف، تهیه و تدوین گردیده و سعی شده تا مطالب آن متناسب با سطح افکار و نیازهای فکری و عقیدتی برادران عزیز پاسدار باشد.

امید است این اثر، در ارتقای بینش اسلامی و توحیدی شما برادران عزیز و ارجمند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سودمند و ثمر بخش باشد و عزم شما را در پاسداری از اسلام ناب محمدی (ص) و ارزشهای والای انقلاب اسلامی، بیش از پیش، جزم کند. ان شاء الله.

پژوهشکده تحقیقات اسلامی

## درس اول

### نقش ایمان به معاد در زندگی

اعتقاد به معاد از اصول خدشه‌ناپذیر ادیان الهی است و مکاتبی که فاقد این اصل هستند، الهی نیستند. در جهان‌بینی اسلامی، معاد از اهداف نهایی آفرینش شمرده شده و قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ. (مؤمنون: ۱۱۵)

آیا گمان کرده‌اید شما را بیهوده آفریده‌ایم، و به سوی ما باز نمی‌گردید؟

از این آیه برداشت می‌شود که ناباوران به رستاخیز به هدف زندگی انسانی دست نیافته‌اند و در وادی پوچ‌گرایی غلتیده‌اند؛ چنان‌که نقش ارزنده اعتقاد به معاد نیز برای مؤمنان به آن آشکار می‌شود.

اعتقاد به معاد - در شکل عام آن یعنی باور داشتن حساب و کتاب، ورود به بهشت و دوزخ، بازگشت به محضر ربوبی و... - با همه ابعاد زندگی مؤمن عجین گشته و کمتر عملی را می‌یابیم که چنین پیوندی با معاد نداشته باشد. نقش سازنده معاد در ابعاد گوناگون زندگی سبب شده است که ادیان و مذاهب آسمانی برای تربیت افراد و اصلاح جامعه، تلاشی گسترده در جهت پرورش ایمان به معاد از خود نشان دهند. به خصوص در قرآن کریم قسمت مهمی از مسائل تربیتی از همین راه تعقیب می‌شود و شگفت‌آور نیست که در این کتاب آسمانی در حدود ۱۲۰۰ آیه به معاد و خصوصیات آن پرداخته است.<sup>۱</sup>

---

۱. پیام قرآن (تفسیر موضوعی) زیر نظر آیه‌الله مکارم شیرازی، ج ۵، ص ۱۷.

ایمان و اعتقاد به معاد، آثار ارزنده‌ای در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد که آنها را به اختصار بررسی می‌کنیم.

### الف - در زندگی فردی

اعتقاد به معاد، منشأ‌گرایش انسان به خصلت‌های نیک و فضایل اخلاقی است. سخاوت، از خودگذشتگی، انفاق، راستگویی، مبارزه با ستمگران، حمایت از مستضعفان و صبر و پایداری در سختی‌ها از آثار ایمان به معاد است؛ چرا که مؤمنان، برای رسیدن به پاداش بی‌مانند قیامت از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند. مولای متقیان (ع) در وصف پارسایان [و مؤمنان به سرای آخرت] چنین می‌فرماید:

پارسایان، در دنیا اهل فضیلت‌اند: سخن آنان صواب، جامه آنان میانه‌روی و روش آنان فروتنی است، بر حرام‌های الهی چشم فرو می‌بندند و به علم سودمندگوش می‌سپارند، در سختی و بلا، چنان که گویی در آسایش و راحتی به سر می‌برند. اگر مدت عمری نبود که خدا برایشان مقرر داشته، به سبب شوقی که به ثواب و بیمی که از عذاب دارند چشم برهم زدنی جان‌هایشان در بدن‌هایشان قرار نمی‌گرفت. تنها آفریدگار در نظرشان بزرگ و جز او در دیدگان‌شان خُرد می‌نماید. بابهشت چنان‌اند که گویی آن را می‌بینند و غرق نعمت‌های آن‌اند و بادوزخ چنان‌اند که گویی آن را می‌بینند و به عذاب آن گرفتارند.<sup>۱</sup>

حضرت علی (ع) و فرزندان و همسرش، سه روز پیاپی روزه نذری گرفتند و هنگام افطار، غذای خود را به یتیم، فقیر و اسیر داده، با آب افطار کردند. درباره دلیل این فداکاری در سوره انسان چنین می‌خوانیم:

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَطَطِرًا. (انسان: ۱۰)

ما از پروردگارمان خائفیم در آن روزی که عبوس و سخت است.

کسی که معاد را باور دارد، همواره از خویشتن مراقبت می‌کند، گرد معصیت نمی‌گردد و از آلودگی‌ها اجتناب می‌کند تا از عواقب شوم آنها ایمن باشد؛ چرا که او می‌داند:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۴، ص ۶۱۲.

فَنِّ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ۝ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ. (زلزله: ۸۷)

پس هر کس هم وزن ذره ای نیکی کند، آن را خواهد دید و هر که هم وزن ذره ای بدی روا دارد آن را خواهد دید.

## ب - در زندگی اجتماعی

جامعه از مجموعه افرادی تشکیل شده است که با یکدیگر در ارتباط و تعامل اند. اگر بر روابط افراد جامعه، ایمان به مبدأ و معاد حاکم باشد، پیشرفت، سرافرازی و سربلندی جامعه را در بر می گیرد و آثار سازنده ای در پی خواهد داشت. برخی از آثار سازنده ایمان به معاد از این قرارند:

### ۱. امنیت اجتماعی

در کشورهای پیشرفته جهان، برای پیشگیری از جرم و جنایت از دستگاه های پلیسی بسیار قوی و مجهز به مدرن ترین وسائل استفاده می شود. با این حال، شاهد شنیع ترین جنایت ها و مرگبارترین فجایع و قتل و غارت های دهشتناک در این کشورها هستیم. سبب این است که نمی توان برای هر فرد ناظر و مراقبی گماشت و بر فرض امکان، خود مراقب و پلیس هم بشر است و نیاز به مراقب دیگری دارد. در سال، ۱۳۵۷، در نیویورک شبی به طور ناگهانی خاموشی وسیعی پیش آمد، بسیاری از آمریکایی ها از فرصت استفاده کرده، به چپاول و غارت مغازه ها پرداختند، به طوری که تعداد دستگیر شدگان توسط پلیس به سه هزار نفر رسید! آری، تنها ایمان به خدا و ترس از مجازات دادگاه عدل الهی است که امنیت و آسایش را در جامعه برقرار می کند؛ چرا که این ایمان، نگرهبانی از درون انسان است که همواره او را از بدی ها باز می دارد و به خوبی ها رهنمون می کند. ایمان به حیات اخروی و ثواب و عقاب آن از فضیل بن عیاض - که سرکرده راهزنان بود و مسافران از شنیدن نام او بر خود می لرزیدند - انسانی متواضع، خدوم و الهی ساخت که عبادت و خدمتگزاری او به خلق خدا، زبانزد همگان بود.<sup>۲</sup>

۱. معاد انسان و جهان، جعفر سبحانی، ص ۲۳.

۲. تحف العقول، ابن شعبه حرّانی، ص ۳۷۱.

## ۲. ساماندهی به مسائل اقتصادی

ایمان به سرای آخرت، در ساماندهی مسائل اقتصادی، اعم از تولید مفید، توزیع عادلانه، مصرف متعادل، فقرزدایی و کمک به محرومان و نیز برچیدن مفسد اقتصادی مانند اسراف، احتکار، کم‌فروشی، اجحاف، زراندوزی و... نقش مهمی دارد. تاجر و کاسبی که به روز قیامت و حساب و میزان ایمان دارد و می‌داند که «روز قیامت همان سکه‌های اندوخته شده را در آتش جهنم، گرم و سوزان کرده، با آن صورت‌ها، پهلوها و پشت‌هایشان را داغ می‌کنند و به آن‌ها می‌گویند: این همان چیزی است که برای خود اندوختید.»<sup>۱</sup> و نیز باور دارد که «روز قیامت حرام‌خواران به شکل خوک و رباخواران به صورت واژگونه محشور می‌شوند»،<sup>۲</sup> دیگر به دنبال کم‌فروشی، غش در معامله، اجحاف، زراندوزی و مانند آن نمی‌رود و اگر این باور فراگیر شود، جامعه‌ای سالم و نمونه از لحاظ اقتصادی خواهیم داشت.

## ۳. تقویت روحیه نظامی

عقیده به مبدء و معاد، مهم‌ترین عامل جهاد و فداکاری در راه خداست و بدون آن، هیچ جهادگری در صحنه دفاع قدم نمی‌گذارد و خود را برنده جنگی نمی‌داند که به شهادت می‌انجامد. بدون ایمان به حیات اخروی، با چه انگیزه‌ای می‌توان از جهاد و جانبازی استقبال کرد؟ اعتقاد به سرای دیگر، در روز عاشورا، در کلمات امام حسین (ع) و در اشعار و رجزهای او و یارانش به چشم می‌خورد و به شکل برجسته‌ای خود را نشان می‌دهد. هر قدر دایره محاصره تنگ‌تر می‌شد و مشکلات میدان جنگ شدیدتر می‌گشت، چهره آن حضرت برافروخته‌تر می‌شد و حالتی آرام‌تر داشت و در این حال بعضی از یارانش به بعضی دیگر اشاره کرده، می‌گفتند: «به او بنگرید که از مرگ هراسی ندارد.» امام حسین (ع) این سخن را شنید و خطاب به یاران خود فرمود:

صَبْرًا بَنِي الْكَرَامِ فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَتْرَةٌ تَغْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ الْوَاسِعَةِ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمَةِ فَإِنَّكُمْ يَكْرَهُ أَنْ يُثْقَلَ مِنْ سِجْنٍ إِلَى قَصْرِ.<sup>۳</sup>

۱. توبه (۹)، آیه ۳۵.

۲. بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۱۳.

۳. معانی الاخبار، شیخ صدوق، ص ۲۸۹.

استقامت کنید ای بزرگ‌زادگان! چرا که مرگ تنها پلی است که شما را از ناراحتی‌ها و رنج‌ها به سوی باغ‌های وسیع و نعمت‌های جاویدان بهشت می‌برد. کدامیک از شما دوست نمی‌دارد از زندان به سوی کاخ برود؟

نیز همین اعتقاد راسخ به حیات اخروی بود که سبب می‌شد رزمندگان اسلام، در شب‌های عملیات برای باز کردن معبرهای مین و پاک‌سازی آنها، داوطلبانه بر یکدیگر سبقت گیرند. نتیجه آنکه، برخورداری از روحیه مبارزاتی و شهادت‌طلبی به نوع جهان‌بینی، باورها و اعتقادات انسان بستگی دارد. رزمنده‌ای که آینده خود را زندگی ابدی در بهشت و معاشرت با رسول خدا (ص) می‌داند، با سربازی که مرگ را نابودی و پوچی می‌داند قابل مقایسه نیست. تاریخ جنگ و جهاد گواه این حقیقت است؛ چنان که نقل شده است: پس از جنگ بدر که کفار قریش شکستی سخت از مسلمانان خوردند، کسی از آنان پرسید: شما با این همه تجربه جنگی، ابزار و ادوات و نفرات، چرا از مسلمانان شکست خوردید؟ یکی از افراد حاضر در صحنه جنگ در پاسخ گفت: برای اینکه همه ما می‌خواستیم اول دوستان بجنگد و کشته شود، ولی آنها برای کشته شدن بر یکدیگر پیشی می‌گرفتند و از مرگ هراسی نداشتند.<sup>۱</sup>

#### ۴. امانت در حکومتداری

ایمان به حیات اخروی، نقش بسزایی در نحوه حکومت حاکمان جامعه دارد. اگر مدیران و کارگزاران جامعه، اعتقادی راسخ به معاد، حساب و میزان داشته باشند، دیگر پی خودخواهی، خودکامگی، خودبزرگ‌بینی، ظلم و تجاوز، بی‌عدالتی، پارتی‌بازی، رشوه‌خواری و امثال آن نمی‌روند و جامعه صبغه‌ای الهی به خود می‌گیرد.

در زمان زمامداری مولای متقیان، علی (ع)، برادر نابینایش، عقیل، خدمت ایشان می‌رسد و مقداری از گندم بیت‌المال را تقاضا می‌کند. امام (ع) در پاسخ، آهنی را داغ کرده، نزدیک بدن او می‌برد. عقیل از حرارت آهن تفدیده و نوع برخورد امام، فریاد می‌کشد. امام می‌فرماید: آیا از آهن پاره‌ای که آدمی آن را برای بازی خود سرخ کرده، ناله می‌کنی و مرا به سوی آتشی که خداوند قهار آن را برای خشم افروخته می‌کشانی؟ آیا تواز این رنج اندک می‌نالی و من از آتش دوزخ ننالم؟<sup>۲</sup>

۱. الصحيح من سيرة النبي الاعظم (ص)، سيد جعفر مرتضى عاملی، ج ۳، ص ۲۱۳؛ به نقل از سنن بیهقی، ج ۸، ص ۱۷۶.

۲. نهج البلاغه، خطبة ۲۱۵، ص ۷۱۳.

در مقابل، زمامداران و کارگزارانی که به سرای اخروی ایمان ندارند و رفاه، قدرت و مکنت خود را منحصر در این دنیا می‌دانند، برای حفظ قدرت و موقعیت خود از هیچ جنایتی فروگذار نمی‌کنند؛ تا آنجا که گاه برادرکشی را برای حفظ قدرت خود، مجاز می‌شمارند و برای کشتن مخالفان، هر روز وسیله‌ای را به کار می‌گیرند. آنها در وحشی‌گری و درنده‌خویی روی حیوانات را سپید کرده‌اند.

### یاد معاد

ایمان و اعتقاد به معاد لازم است، ولی کافی نیست. باید همواره به یاد حساب و قیامت باشیم و لحظه، لحظه زندگی خود را با یاد معاد سپری کنیم. کسی که برای ریز و درشت کارهایش به یاد حساب و کتاب روز قیامت است، هرگز بی‌گدار به آب نمی‌زند. یاد معاد اثر سازنده‌ای در زندگی او دارد، و حالت مراقبتی به او می‌دهد. به همین دلیل است که سفارش شده است به زیارت اهل قبور بروید و به یاد مردن و نیز رفتگان خود باشید. امام صادق (ع) می‌فرماید:

ذِكْرُ الْمَوْتِ يُمِيتُ الشَّهَوَاتِ وَيَقْلَعُ مَنَايَتِ الْعَمَلَةِ وَيَقْوِي الْقُلُوبَ بِمَوَاعِدِ اللَّهِ وَيُرِقُّ الطَّبْعَ وَيُكْسِرُ أَغْلَامَ الْهَوَىٰ وَيُطْفِئُ نَارَ الْحَرَصِ وَيُحَقِّقُ الدُّنْيَا.<sup>۱</sup>

یاد مرگ، شهوت‌ها را از بین می‌برد؛ ریشه‌های غفلت را برمی‌کند، دل انسان را با وعده‌های الهی محکم می‌کند و روحیه انسان را از قساوت به لطافت سوق می‌دهد. یاد مرگ، نشانه‌ها و انگیزه‌های هوس را می‌شکند، آتش حرص را خاموش و دنیا را پیش چشمان انسان، کوچک جلوه می‌دهد.

### پرسش

۱. اعتقاد به معاد چه آثاری در زندگی فردی انسان دارد؟
۲. نقش ایمان را به معاد در امنیت اجتماعی بیان کنید.
۳. ایمان به سرای آخرت چه ارتباطی با ساماندهی مسائل اقتصادی و نیز برچیدن مفاسد اقتصادی دارد؟
۴. روحیه شهادت‌طلبی با نوع جهان‌بینی و باورهای انسان چه رابطه‌ای دارد؟
۵. ایمان به معاد چه تأثیری در نحوه حکومت حاکمان و کارگزاران دارد؟

۱. بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۳۳.



## درس دوم

### حقیقت مرگ و علل ترس از آن

#### حقیقت مرگ

انسان بی آنکه خود بخواند، پا به عرصه وجود می‌نهد و در آغاز تولد نه توانی از خود دارد و نه ادراکی. با گذشت زمان، اندک اندک رشد می‌کند و با جهان پیرامون خویش خو می‌گیرد و پس از درک جزئیات، قادر به درک کلیات می‌شود. او، با شکوفا شدن استعدادهای نهفته خدادادی، به مراحل عالی می‌رسد و چه بسا به پیشرفتهای علمی دست یابد، ولی گاهی در همان آغاز تولد، مانعی پیش می‌آید و یا در اواسط عمر حادثه‌ای رخ می‌دهد و زندگی‌اش پایان می‌یابد.

آیا با خاموش شدن چراغ زندگی انسان، باید همه چیز را پایان یافته دانست و آن همه خوشی و ناخوشی و جنگ و ستیز و... را همچون خوابی گذرا پنداشت و هزاران پرسش را بدون پاسخ گذاشت و همراه جسم آدمی دفن کرد، یا برای این پرسش‌ها، با مدد عقل و سخن معصومان (ع) باید به پاسخی قاطع دست یافت؟

در فرهنگ دینی، مردن به معنای نابودی نیست. تولدی است دیگر و انتقال از دنیای محدود به جهانی بیکران؛ همان‌گونه که حضرت علی (ع) فرموده است: «آگاه باش که تو برای عالم آخرت آفریده شده‌ای نه برای دنیا».<sup>۱</sup> در واقع، مرگ مرحله‌ای در سیر تکاملی انسان به سوی آخرت و بازگشت به سوی خداست؛ چنان‌که طفل مدتی در فضای تاریک و محدود رحم، به زندگی و تکامل خود ادامه می‌دهد و سپس به دنیا می‌آید.<sup>۲</sup>

۱. وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ خُلِقْتُمْ لِالْآخِرَةِ لَّئِلْ تَتَذَكَّرُوا. (نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، ص ۹۲۶)

۲. حج (۲۲)، آیه ۵.

## تعبیر قرآنی

قرآن کریم درباره مرگ تعبیرهای گوناگونی دارد و در روایات اسلامی نیز، واژه‌هایی چند برای آن به کار رفته است که هر یک گویای چهره‌ای از این واقعیت است. از این تعبیر، که در قرآن زیاد به کار رفته است، کلمه «توفی» است. توفی از ماده «وفا» است به معنای دریافت چیزی، بی‌کم و کاست. بنابراین، «تَوَفَّيْتُ الْمَالَ» یعنی مال را بی‌کم و کسر دریافت کردم.

از آیاتی که از مرگ با ماده «توفی» تعبیر کرده‌اند، استفاده می‌شود که انسان افزون بر بُعد مادی، دارای بُعد روحانی است و این بُعد حقیقت انسان است و با مرگ نابود نمی‌شود، بلکه زندگی‌اش به شکلی دیگر ادامه می‌یابد؛ زیرا در این آیات، بی‌درنگ پس از مرگ، سخن از پاره‌ای اعمال حیاتی مانند مکالمه و آرزو به میان آمده است که وجود زندگی پس از مرگ را به روشنی تأیید می‌کند. نمونه‌هایی از این آیات چنین‌اند:

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجَرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا. (نساء: ۹۷)

به‌راستی آنان که فرشتگان، جانشان را گرفتند در حالی که بر خود ستمگر بودند، بدانان گفتند: «در چه وضعی به سر می‌بردید؟» گفتند: «ما در زمین، مردمی زیر دست و مستضعف بودیم.» فرشتگان گفتند: «آیا زمین خدا فراخ نبود که در آن سفر کنید [و خود را از زیر سلطه دیگران برهانید]؟!» پس جایگاه آنان جهنم است و بدفرجامی است.

در این آیه از مکالمه فرشتگان با انسان پس از مرگ سخن به میان آمده است. روشن است که اگر همه واقعیت انسان جسد بی‌حس و شعور باشد، مکالمه بی‌معناست. از این آیه استفاده می‌شود که انسان، پس از اینکه از این جهان رخت برمی‌بندد، با دیده، گوش و زبان با فرشتگان و مأموران غیبی خداوند به گفت و گو می‌پردازد.

وَقَالُوا إِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ ۝ قُلْ يَتَوَفَّيْكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ. (سجده: ۱۰-۱۱)

وگفتند: «وقتی در زمین گم شدیم [و دفن شدیم و پوسیدیم] آیا در آفرینش نوینی قرار خواهیم گرفت؟» حقیقت این است که اینان - از روی عناد - ملاقات پروردگار خویش را منکرند. بگو: همانا فرشته مرگ، که موکل بر شماست، در حین مرگ شما را به تمام و کمال دریافت می‌کند. از آن پس به‌سوی خدا بازگردانده می‌شوید.

قرآن کریم، در این آیه به یکی از اشکالات منکران معاد پاسخ می‌دهد. اشکال این است که پس از مرگ، بدن ما ناپدید می‌شود و به جایی می‌رود و اثری از آن باقی نمی‌ماند. پس، چگونه ممکن است در آفرینشی نو قرار گیریم؟

قرآن ضمن اشاره به اینکه این اشکالات، بهانه‌جویی‌هایی است که ریشه در عناد و انکار دارد، پاسخ می‌دهد که شما به تمام و کمال در اختیار فرشته خداوند قرار می‌گیرید. این آیه، با صراحت تمام بیان می‌کند که به رغم نابودی اجزا و اعضای بدن، وجود واقعی انسان پس از مرگ در اختیار فرشته مرگ قرار می‌گیرد و با مرگ نابود نمی‌شود.

### مرگ در روایات

از حضرت جواد(ع) درباره مرگ پرسیدند. در پاسخ فرمود:

مرگ خوابی است که هر شب به سراغتان می‌آید، با این تفاوت که این طولانی‌تر است و شخص از آن بیدار نمی‌شود مگر در قیامت. حال کسی که در خواب شادی‌هایی وصف‌ناپذیر و ترسی بی‌اندازه می‌بیند، چگونه است؟! مرگ نیز همان‌گونه است.<sup>۱</sup>

همچنین، امام زین‌العابدین(ع) از پیامبر اکرم(ص) نقل می‌کند:

إِنَّ الدُّنْيَا سَجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ وَالْمَوْتُ جِسْرٌ هُوَ لَاءٌ إِلَى جَنَّتِهِمْ وَجِسْرٌ هُوَ لَاءٌ إِلَى جَحِيمِهِمْ.<sup>۲</sup>  
دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر است و مرگ برای مؤمنان پلی برای رسیدن به بهشت و برای کافران پلی به سوی دوزخ است.

دکتر کارل، دانشمند فرانسوی، می‌گوید:

پاسخ مذهب به اضطراب بشریت در برابر راز مرگ بسیار ارضا‌کننده‌تر از پاسخ علم است؛ مذهب به انسان پاسخی می‌دهد که قلبش می‌خواهد.<sup>۳</sup>

کافر، مرگ را به معنای فنا و نابودی می‌داند، با اینکه دلیلی بر انکار معاد ندارد و نمونه‌های حیات دوباره را در طبیعت می‌بیند. قرآن درباره آنان می‌فرماید:

۱. معانی‌الانخبار، شیخ صدوق، ص ۲۸۹.

۲. معانی‌الانخبار، ص ۲۸۹.

۳. معاد و فردای جاویدان، موسوی لاری، ص ۹، به نقل از: راه و رسم زندگی، ص ۱۴۲.

و منکران معاد گفتند: «زندگی نیست جز همین زندگی دنیایی ما، که می میریم و زنده می شویم و نابود نمی کند ما را مگر روزگار.» درحالی که به گفته خود یقین ندارند، [بلکه] تنها وهم و پنداری است که دارند.<sup>۱</sup>

### علل ترس از مرگ

با توجه به آیات قرآن کریم و سخنان پیشوایان معصوم (ع) درمی یابیم که مرگ، عبارت از نابودی نیست، بلکه انتقال از زندگانی محدود به زندگانی وسیعتر و کامل تر است. انسان به علل و عواملی از مرگ می هراسد. برخی از این عوامل عبارتند از:

#### الف. دلبستگی شدید به دنیا

از علل هراس از مرگ، علاقه و دلبستگی به دنیا و مظاهر آن است. وقتی انسان به دنیا، اموال، فرزندان و بستگان و خویشان محبتی فراوان دارد جدا شدن از آنها برای او دشوار است. اگر علاقه انسان به دنیا در مسیر عشق به خدا و کسب رضای الهی باشد، دل کندن از این علایق و روی آوردن به محبوب حقیقی آسان خواهد بود، در صورتی که اگر محبت انسان به اموال، فرزندان، مقام و نظایر آن مستقل و جدا از توجه به خدا باشد، موجب می شود که او از مرگ بگریزد.

#### ب. هراس از نیستی

انسان از نیستی و نابودی می هراسد. از فقر می ترسد چون فقر، نداشتن ثروت است، از بیماری می ترسد؛ زیرا از دست دادن سلامت است، از تاریکی می ترسد چون نور در آن نیست، از بیابان و خانه خالی می ترسد، چون کسی را در آنجا نمی یابد و از زلزله و صاعقه و حیوان درنده وحشت دارد، چون او را به نابودی تهدید می کنند.

بنابراین، علت ترس برخی انسان ها از مرگ این است که مرگ در نظر آنان فنا یا مطلق است، اما اگر مرگ را همچون تولد نوزاد از مادر، تولدی دیگر بدانیم و معتقد باشیم که با عبور از این گذرگاه سخت به جهانی می رسیم که از این جهان بسیار وسیع تر، پرفروغ تر و آرام بخش تر

۱. جائیه (۴۵)، آیه ۲۴.

است و نیز مرگ را مرحله انتقال به نوع عالی تر و کامل تر از زندگی بدانیم که زندگی فعلی در مقایسه با آن، مرگ محسوب می شود، نه تنها وحشتناک و نفرت انگیز نخواهد بود، بلکه زیبا و دوست داشتنی خواهد شد.

### ج. ترس از کیفر اعمال

گروهی از مرگ وحشت دارند، اما نه به این معنا که مرگ را فتنای مطلق می دانند و منکر زندگانی پس از آن اند، بلکه آن چنان پرونده اعمال خود را سیاه و تاریک کرده اند که گویی با چشمان خود، کیفرهای سنگین و مجازاتهای دردناک بعد از مرگ را، مشاهده می کنند و یا احتمال آن را می دهند و چون باید پاسخگوی زشتکاری خود باشند از وقوع آن روز وحشت دارند. قرآن کریم می فرماید:

وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَلَيْسَ بِهِمْ (جمعه: ۷)

آنان [یهودیان] به سبب اعمالی که از پیش فرستاده اند، هرگز تمنای مرگ نمی کنند. این آیه اشاره دارد به ادعای قوم یهود که خود را از دوستان حقیقی خدا قلمداد می کردند. قرآن کریم می فرماید: ادعای دروغین می کنند، زیرا اگر راست می گفتند و دوستان خدا بودند باید شوق دیدار خدا و آرزوی مرگ می داشتند.

شخصی از امام حسن (ع) پرسید: چرا از مرگ می ترسیم؟ فرمود:

إِنَّكُمْ أَخْرَبْتُمْ أَخِرَتَكُمْ وَعَمَّرْتُمْ دُنْيَاكُمْ فَأَنْتُمْ تَكْرَهُونَ الثَّقَلَةَ مِنَ الْعُمَرَانِ إِلَى الْخُرَابِ.<sup>۱</sup>

شما آخرت خود را ویران و دنیایتان را آباد کرده اید. پس ناپسند می دارید که از آبادانی به سوی خرابی بروید.

### د. فراهم نکردن توشه آخرت

بنابر روایات یکی دیگر از علل ترس از مرگ، فراهم نساختن ره توشه آخرت است. امام صادق (ع) از پدر گرامی اش امام باقر (ع) نقل کرده است که فرمود:

مردی خدمت پیامبر (ص) آمد و عرض کرد: «چرا من مرگ را دوست ندارم؟» حضرت فرمود: «آیا مال و ثروت داری؟» عرض کرد: «بله.» فرمود: «آیا آن را پیش فرستاده ای [و در کار خیر و برای آخرت صرف کرده ای؟]» عرض کرد: «نه.» فرمود: «به همین علت مرگ را دوست نمی داری.»<sup>۲</sup>

۱. بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۲۹.

۲. همان، ص ۱۲۷.

این همان است که حضرت علی (ع) در یکی از سخنان حکمت آمیزش از آن، آه و ناله سر می دهد و هشدار داده، می فرماید:

آه مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ وَ طُولِ الطَّرِيقِ وَ بُعْدِ السَّفَرِ وَ عَظَمِ الْمَوْرِدِ.<sup>۱</sup>

آه از کمی توشه [ی راه آخرت] و طولانی بودن راه و دور بودن سفر و بزرگ بودن مقصد و محل ورود. مردی خدمت امام حسن (ع) آمد و عرض کرد: «ای پسر رسول خدا! چه بر سر ما آمده که مرگ را ناپسند می پنداریم و آن را دوست نمی داریم؟!» حضرت فرمود: شما آخرتتان را ویران و دنیایتان را آباد کرده اید. از این رو، انتقال از آبادی به ویرانی را ناپسند می دارید.<sup>۲</sup>

چنان که از این روایت استفاده می شود، علت ترس از مرگ، تلاش نکردن برای آخرت، بلکه بی توجه بودن به آن و روی کردن به دنیاست و همین موجب ویرانی آخرت است.

### راههای زدودن ترس از مرگ

گام نخست برای رهایی از وحشت مرگ، شناخت و درک درست از مرگ است که معنای آن گذشت. بهره مندی از این شناخت تا حدی بسیار انسان های مؤمن را از ترس مرگ می رها کند و برای در آغوش گرفتن مرگ آماده می کند. از این رو، امام محمد جواد (ع) پس از آنکه از حقیقت مرگ پرده برمی دارد، می فرماید:

پس، خود را برای آن آماده کنید.<sup>۳</sup>

آنان که از مرگ می ترسند و برای رو به رو شدن با آن آماده نیستند، مرگ را نشناخته اند. کسی از امام محمد جواد (ع) پرسید: «چرا برخی مرگ را ناخوش می دارند؟» فرمود:

مرگ را نشناخته اند. اگر می شناختند و از اولیای خدا عزوجل می بودند، بی گمان مرگ را دوست می داشتند و می دانستند که آخرت از دنیا برایشان بهتر است.

۱. نهج البلاغه، ص ۱۱۱۹، حکمت ۷۴.

۲. بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۲۹.

۳. معانی الاخبار، ص ۲۸۹.

سپس، آن حضرت برای اینکه حقیقت را بیشتر آشکار کند، پرسید:  
چرا کودک و دیوانه، از خوردن دارویی که بدن را سالم می‌کند و درد را از میان می‌برد، خودداری می‌کند؟

مرد گفت: «زیرا آنان از فایده دارو ناآگاهند.» حضرت جواد(ع) فرمود: «سوگند به آن کسی که به حق، محمد(ص) را به پیامبری برانگیخت، کسی به درستی خود را برای مرگ آماده نمی‌کند، مگر اینکه برای او از این دارو برای بیمار سودمندتر است. آگاه باش! اگر مردم می‌دانستند که مرگشان به چه نعمت‌هایی می‌انجامد، آن را دوست می‌داشتند؛ بسیار بیشتر از خردمندی که خوردن دارو را برای دفع بیماری‌ها و جلب سلامتی دوست می‌دارد.<sup>۱</sup>

عامل اساسی برای نهراسیدن از مرگ، ایمان به مبدء و معاد، عمل صالح و تقرب به خداست و هر قدر ایمان و عمل شایسته بیشتر شود، ترس از مرگ کمتر می‌گردد، بلکه بر اثر ایمان و عمل صالح انسان به جایی می‌رسد که نه تنها از مرگ نمی‌هراسد که مشتاق آن نیز می‌شود؛ زیرا مرگ را وسیله رسیدن به محبوب و دار کرامت آخرت می‌بیند.

### معصومین و آرزوی مرگ

زندگی دنیا، مقدمه‌ای برای زندگی آخرت است. اگر از این مقدمه برای نیل به کمال بهره جسته شود، هر چه طولانی‌تر شود، بهتر است؛ زیرا بر کمال انسان می‌افزاید و انسان در آخرت از درجات بالاتری برخوردار می‌گردد. از این رو، می‌بینیم که بزرگان دین، از خدا خواسته‌اند که عمری طولانی بدانان دهد و در دعا به ما آموخته‌اند که از خدا طول عمری همراه عافیت بخواهیم. امام سجّاد(ع) چنین از درگاه خداوند می‌خواهد:

وَعُمْرِي مَا كَانَ عُمْرِي بِذِلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مُرْتَعَاً لِلشَّيْطَانِ فَأَقْبِضْنِي إِلَيْكَ.<sup>۲</sup>

پروردگارا! تا آن گاه که عمر من در راه طاعت تو است، بر آن بیفزای. اما اگر عمر من چراگاه شیطان شد، جان مرا بگیر.

همچنین، حضرت فاطمه زهرا(س) به پیشگاه الهی عرضه می‌دارد:

۱. همان، ص ۲۹۰.

۲. صحیفه سجّادیه، دعای مکارم الاخلاق. (دعای بیستم)

اللَّهُمَّ بِعِلْمِكَ الْغَيْبِ وَقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ أَحْيِنِي مَا عَلِمْتَ الْحَيَاةَ خَيْرًا لِي وَتَوَفَّنِي إِذَا كَانَتِ الْوَفَاةُ خَيْرًا لِي.<sup>۱</sup>

پروردگارا! به علم غیب و قدرتت بر خلق، سوگندت می‌دهم، تا آن گاه که زندگی را برایم بهتر می‌دانی مرا زنده بدار و هر گاه مرگ را برایم بهتر می‌دانی، مرا بمیران.

پس، زندگی دنیوی در جهان‌بینی اسلامی، پسندیده است، ولی فرصتی است برای نیل به رشد و کمال بیشتر. حضرت علی (ع) می‌فرماید:

إِنَّ عُمُرَكَ مَهْرٌ سَعَادَتِكَ إِنْ أَتَقَدَّتُهُ فِي طَاعَةِ رَبِّكَ.<sup>۲</sup>

اگر عمرت را در راه اطاعت پروردگارت سپری کنی، مایه خوشبختی توست.

البته گاه مرگ بر زندگی ترجیح می‌یابد؛ یکی آن گاه که آدمی در برخورد با نامردمی‌ها و فشارهای شدید روحی آرزوی مرگ می‌کند، و دیگر در جایی که مرگ، موجب کمال بیشتری است؛ مانند شهادت. اگر آرزوی مرگ در سخنان بزرگان دین آمده، بیشتر در این گونه شرایط بوده است. امام حسین (ع) هنگام حرکت به سوی عراق فرمود:

چه بسیار در اشتیاق دیدار رفتگان خاندان خود هستم؛ همانند اشتیاقی که یعقوب به دیدار یوسف داشت.<sup>۳</sup>

اصحاب و شیفتگان اهل بیت عصمت (ع) نیز این گونه‌اند. بُرَیْر بن خضیر همدانی، که از اصحاب با وفای سیدالشهدا (ع) بود، هنگامی که به لقای پروردگار و فردوس و شهادت یقین پیدا کرد، از خوشحالی، مزاح و شوخی می‌کرد با اینکه هیچ گاه اهل مزاح نبود.<sup>۴</sup>

### پرسش

۱. معنای مرگ در فرهنگ دینی چیست؟
۲. در آیاتی که از مرگ به «توفی» تعبیر شده، به چه حقیقتی اشاره شده است؟
۳. امام جواد (ع) مرگ را به چه تشبیه کرده است؟
۴. علل ترس از مرگ چیست؟
۵. عامل اساسی نهراسیدن از مرگ چیست؟
۶. معصومین (ع) چگونه عمری را از خداوند درخواست می‌کردند؟

۱. بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۲۲۵.

۲. میزان الحکمة، محمدی ری شهری، ج ۶، ص ۵۴۲.

۳. لهوف، سید بن طاووس، ص ۲۶.

۴. همان، ص ۴۱.



## زمان احتضار

### سکرات مرگ

فرا رسیدن مرگ و خروج روح از بدن، همراه سختی های فراوانی است که در قرآن و روایات از آن به «سکرات مرگ» تعبیر شده است. قرآن مجید در این باره می فرماید:

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ. (ق: ۱۹)

و سرانجام سکرات مرگ، بحق فرا می رسد [و به انسان گفته می شود]: این همان چیزی است که تو از آن می گریختی.

سکرات مرگ، حالتی شبیه مستی و بی هوشی است که بر اثر فرارسیدن مرگ به صورت اضطراب و انقلاب فوق العاده ای در انسان جلوه گر می شود و او را در حیرت و ناآرامی شدید فرو می برد. حتی انبیا و مردان الهی که در لحظه مرگ از آرامش خاصی برخوردارند، از مشکلات و شداید آن بی نصیب نیستند.<sup>۱</sup> در حالات پیامبر (ص)، ذکر شده است که در لحظات آخر عمر، دست خود را در ظرف آبی فرو می برد و به صورت می کشید و ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را زمزمه می کرد و می فرمود:

إِنَّ لِلْمَوْتِ سَكْرَاتٌ.<sup>۲</sup>

مرگ، سکرات و شدایدی دارد.

این لحظه حساس در سخنان امام علی (ع) چنین وصف شده است:

۱. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۲۲، ص ۲۶۴.

۲. بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۷۰.

چون مرگ فرا رسد، سستی و ضعف، اندام انسان را فراگیرد و رنگ رخسارش تغییر کند، زبانش از گفتار باز ماند در حالی که هنوز چشم می بیند و گوش می شنود و اندیشه اش در تکاپو است. او درباره زندگی خویش می اندیشد و با خود می گوید: آه! عمر گرانبهای را در چه راهی به پایان بردم و چگونه زندگی ام را برای اندوختن مال دنیا تباه کردم، از حلال و حرام و درست و نادرست پروا نکردم و ثروتی اندوختم که اکنون از من جدا می شود و دیگران از آن بهره مند خواهند شد و کام خواهند گرفت و رنج این بارگران همچنان بر دوش من سنگینی خواهد کرد. از فرط اندوه و پشیمانی، انگشت به دندان می گزد. در این هنگام مرگ بر او چیره تر می شود و گوش او نیز همچون زبانش از کار باز می ماند. نه سخن می گوید و نه صدایی می شنود، چشمانش در حلقه چرخ می زند و چهره اطرافیان و حرکت لب هایشان را می بیند، ولی صدایشان را نمی شنود و کمی بعد تاریکی مرگ بر چشمانش نیز سایه می افکند و جان از بدنش خارج می گردد و بدن بی جان او در میان خانواده اش می افتد. اعضای خانواده از نزدیک شدن به او وحشت کرده و از او دوری می جویند.<sup>۱</sup>

## جان دادن

لحظه مرگ و جدایی روح از بدن، از دشوارترین لحظات زندگی انسان است؛ زیرا موجب جدا شدن انسان از همه چیزهای مأنوس و محبوب و سفر کردن به دیاری ناشناخته است. اهل ایمان و تقوا، از این مرحله خطرناک به آسانی می گذرند و در نهایت آسانی جان می سپارند؛ ولی دنیاپرستان و ستمگران به سختی جان می دهند. در حدیث قدسی آمده است: هنگامی که مرگ بنده ای مؤمن فرامی رسد؛ فرشتگان با قدح هایی از آب کوثر بر بالین او حاضر می شوند... و روح او را تسلی می دهند تا تلخی و سختی مرگ را احساس نکند.<sup>۲</sup>

امام صادق (ع) درباره سختی جان دادن کافر می فرماید:

حضرت علی (ع) به چشم درد مبتلا شده بود. پیامبر گرامی اسلام (ص)، به عیادت ایشان آمد؛ در حالی که حضرت، از شدت درد، فریاد می کشید. پیامبر (ص) فرمود: آیا از درد چشم بی تابی می کنی؟! حضرت علی (ع) عرضه داشت: یا رسول الله! تاکنون چنین دردی نکشیده ام. پیامبر (ص)

۱. اقتباس از نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸، ص ۳۳۱ و ۳۳۲.

۲. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۲۷.

فرمود: یا علی! چون ملک الموت برای گرفتن جان کافر بیاید، سیخی از آتش همراه اوست که روح کافر را با آن، چنان بیرون می‌کشد که دوزخ صیحه و فریاد می‌زند. علی(ع) برخاست و در بستر خویش نشست و عرض کرد: یا رسول الله! این سخن را تکرار کن. من درد خود را از شنیدن آنچه فرمودی، فراموش کردم. سپس عرض کرد: آیا از امت شما هم کسی این گونه جان می‌دهد؟ رسول گرامی(ص) فرمود: بله! پادشاه ستمگر، خورنده مال یتیم و کسی که شهادت دروغ می‌دهد.<sup>۱</sup>

### مشاهدات محتضر

در واپسین لحظه‌های حیات، پرده از پیش چشم انسان کنار می‌رود و او حقایقی را می‌بیند و درک می‌کند که تا آن روز ندیده و درک نکرده است. برخی از این حقایق و مشاهدات از این قرارند:

#### ۱. دیدن فرشته مرگ

از فرشتگان مقرب خدا، ملک الموت یا عزرائیل است که از طرف خداوند مأمور گرفتن جان انسان‌ها و زدن مهر پایان بر زندگی آنان است. انسان‌ها - اعم از مؤمن و کافر - در لحظه مرگ، فرشته مرگ را می‌بینند، اما چهره او برای افراد، متفاوت است. مجرمان و گناهکاران، او را به صورتی وحشتناک و مؤمنان اهل طاعت وی را با چهره‌ای زیبا و نورانی مشاهده می‌کنند؛ چنان که نقل شده است:

روزی حضرت ابراهیم خلیل(ع) به ملک الموت گفت: به من نشان بده که برای قبض روح بدکاران به چه شکلی حاضر می‌شوی؟ ملک الموت گفت: طاقت دیدن مرا به آن شکل نداری! حضرت اصرار کرد. ملک الموت به وی گفت: روی برگردان! حضرت ابراهیم روی خود را برگرداند و پس از لحظه‌ای به او نگریست. مردی را دید سیاه‌چهره، با مویی آشفته و بدبویی را که لباسی سیاه پوشیده و دود و آتش از دهان و حفره‌های بینی او زبانه می‌کشد. حضرت ابراهیم(ع) از دیدن این منظره مدهوش شد. چون به هوش آمد، ملک الموت را به

۱. همان، ج ۶، ص ۱۷۰.

صورت عادی و طبیعی ملاقات کرد. حضرت ابراهیم (ع) فرمود: اگر مجازات بدکاران فقط دیدن تو با این چهره و حشتناک باشد، آنها را بس است. دیگر بار حضرت ابراهیم (ع) از ملک الموت خواست به شکلی درآید که برای قبض روح مؤمنان مجسم می شود. پس ملک الموت به آن حضرت گفت: روی برگردان! پس از لحظه‌ای به او نگریست. جوانی را دید خوش سیمای که لباسی زیبا به تن دارد و عطری دل‌انگیز از او به مشام می رسد. حضرت به او فرمود: برای مؤمنان دیدن سیمای زیبای تو، بالاترین پاداش است.<sup>۱</sup>

## ۲. مشاهده پیامبر و ائمه (ع)

ملاقات پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع)، از رخدادهای لحظه مرگ است که تنها به مؤمنان اختصاص ندارد، بلکه کفار و دشمنان اهل بیت هم آنان را می بینند، ولی مؤمنان، مسرور و تبهکاران و مجرمان شرمسار و سرافکنده می شوند.

امام علی (ع) فرمود:

مَنْ أَحَبَّنِي وَجَدَنِي عِنْدَ مَمَاتِهِ بِحَيْثُ يُحِبُّ وَمَنْ أَبْغَضَنِي وَجَدَنِي عِنْدَ مَمَاتِهِ بِحَيْثُ يَكْرَهُ.<sup>۲</sup>

کسی که مرا دوست دارد، هنگام مرگ مرا آن گونه می یابد که دوست دارد و کسی که مرا دشمن می دارد، هنگام مرگش مرا آن گونه می یابد که دوست نمی دارد.

نقل کرده اند که در چهره یکی از شیعیان و محبان اهل بیت (ع) به نام اسماعیل بن محمد، معروف به سید حمیری هنگام مرگ نقطه‌ای سیاه نمایان شد و رفته رفته گسترش یافت، به گونه‌ای که تمام صورتش را پوشانید. دوستان او از این موضوع ناراحت و شرمسار و همسایگانش که از دشمنان ائمه (ع)، بودند، خوشحال شدند؛ ولی مدتی نگذشت که نقطه‌ای سفید در صورت سید نمایان شد و به تدریج تمام صورت او را فرا گرفت، به طوری که صورتش نورانی و درخشان شد. در این هنگام چشم باز کرد و تبسم کنان گفت: آنان که گمان کرده اند، علی (ع)، دوستان خود را در لحظه مرگ تنها می گذارد، اشتباه کرده اند. پروردگار گناهان مرا بخشید و مرا اهل بهشت قرار داد. به دوستان علی بگویید که او و اهل بیتش را تا دم مرگ دوست بدارند.<sup>۳</sup>

۱. محجة البیضاء، ج ۸، ص ۲۵۹.

۲. بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۸۸.

۳. همان، ص ۱۹۳.

### ۳. مشاهده جایگاه اخروی

از دیگر دیدنی‌های لحظه مرگ، مشاهده جایگاه و منزلت اخروی است. هر شخصی، چه اهل سعادت و بهشت و چه اهل شقاوت و دوزخ، جایگاه خود را در واپسین لحظات حیات خود می‌بیند و پس از آن می‌میرد. امام صادق (ع) در این مورد می‌فرماید:

إِنَّ نَفْسَ الْمُحْتَضِرِ إِذَا بَلَغَتِ الْخُلُقُومَ وَكَانَ مُؤْمِنًا رَأَى مَنَزِلَهُ مِنَ الْجَنَّةِ فَيَقُولُ رُدَّنِي إِلَى الدُّنْيَا حَتَّى أُخْبِرَ أَهْلَهَا بِمَا أَرَى فَيَقَالَ لَهُ: لَيْسَ إِلَيْ ذَلِكَ سَبِيلٌ.<sup>۱</sup>

وقتی جان محتضر، به گلویش رسید - در حالی که مؤمن است -، جایگاه خود را در بهشت می‌بیند. سپس می‌گوید: مرا به دنیا بازگردانید تا آنچه را دیده‌ام به اهل دنیا بازگویم؛ به او گفته می‌شود: امکان ندارد.

نیز امام سجاد (ع) به نقل از رسول گرامی اسلام (ص) در باره جان دادن کافر می‌فرماید: هنگام مرگ، ملک‌الموت به او می‌گوید: سرت را بلند کن و نگاه کن! پس می‌بیند جایگاه والای پیامبر (ص) و سایر ائمه (ع) و پیروان آنان را و نیز بهشت برین و قصرهای آن را! به او می‌گویند اگر ولایت اینان را می‌پذیرفتی، این جای تو بود. پس رو به سوی جهنم برمی‌گرداند و در آن انواع بلاها، عقرب‌ها، مارها و... را می‌بیند. در این هنگام به او می‌گویند: این جایگاه توست و او با نهایت حسرت و تأسف جان می‌دهد.<sup>۲</sup>

### ۴. رؤیت اعمال

در حالت احتضار، زندگی گذشته و عمر سپری شده انسان و اعمال و کرداری که از او سر زده، در پیش چشمانش به سرعت مجسم می‌شود و فیلم واقعی زندگی‌اش به نمایش درمی‌آید، همان گونه که بازماندگان خود را مشاهده می‌کند. امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید:

هنگام مرگ، مال، فرزند و عمل، پیش چشم انسان مجسم می‌شوند. شخص محتضر رو به مال کرده، می‌گوید: به خدا سوگند، من به تو علاقه زیادی داشتم و حرص و ولع من به تو بسیار بود. اکنون تو برای من چه داری؟ مال جواب می‌دهد: کفنی به تو می‌دهم. رو به فرزندان خود می‌کند و می‌گوید: فرزندانم، من شما را بسیار دوست می‌داشتم و در تمام زندگی خویش

۱. همان، ص ۲۰۰.

۲. همان، ص ۱۹۰.

پشتیبان شما بودم. شما برای من چه دارید؟ پاسخ می‌دهند: تو را می‌بریم در قبر دفن می‌کنیم. رو به عمل می‌کند و می‌گوید: به خدا، من به تو توجهی نداشتم و به تو بی‌میل بودم. تو برای من چه داری؟ عمل می‌گوید: من همنشین و همراه تو هستم. در قبر و روزی که برانگیخته می‌شوی و تا هنگام حساب تو را همراهی می‌کنم.<sup>۱</sup>

### ۵. حاضر شدن شیطان

از حوادث لحظه مرگ، حضور شیطان نزد محتضر است. شیطان قسم یاد کرده است که همه انسان‌ها جز مخلصین را بفریبد<sup>۲</sup> و برای عملی ساختن هدف شوم خود، تا آخرین لحظه از پای نمی‌نشیند و حتی در حال مرگ انسان نیز به سراغش می‌رود و می‌کوشد تا او را بفریبد و دین و ایمانش را بگیرد؛ به طوری که نتواند شهادتین را بر زبان جاری سازد و بی‌ایمان از دنیا برود. امام صادق (ع) می‌فرماید:

مرگ کسی فرا نمی‌رسد مگر شیطان، اعوانش را مأمور می‌کند که شخص محتضر را به کفر درآورند و او را در دینش به شک اندازند تا روح از بدنش خارج شود؛ ولی اگر شخص محتضر از مؤمنان حقیقی باشد، شیطان بر این کار قادر نیست. هنگامی که نزد محتضر حضور می‌یابید، شهادت به یگانگی خدا و رسالت پیامبر (ص) را به او تلقین کنید تا روح از بدنش مفارقت کند.<sup>۳</sup> بنابراین، هنگام جان دادن محتضر، شیطان و یارانش او را احاطه می‌کنند تا او را بفریبند و اینجاست که «حسن عاقبت» و «سوء عاقبت» مطرح می‌شود. ممکن است کسی عمری به صورت عادت نماز بخواند و روزه بگیرد، ولی به دلیل پایدار نشدن ایمان در قلب او و دلبستگی به دنیا - همان گونه که در دنیا همواره به دنبال شیطان می‌دویده - در لحظه آخر نیز فریب شیطان را بخورد و بی‌ایمان از دنیا برود. خصلت‌های ناپسند و شیطانی مانند حسد، تکبر، دلبستگی به دنیا، عاق والدین و... موجب سوء عاقبت می‌شود. به ماجرای زیر توجه کنید:

شخصی که اهل مسجد و مدرسه بود، مریض شد و در آستانه مرگ قرار گرفت. استادش که برای عیادت او آمده بود، برای وی سوره «یس» را قرائت کرد. شاگرد با دست به استاد اشاره

۱. همان، ص ۲۲۴.

۲. «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ۝ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلَصِينَ» ص (۳۸)، آیه ۸۲-۸۳.

۳. بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۹۵.

کرد و گفت نمی خواهم قرآن بخوانی! و از گفتن شهادتین نیز امتناع کرد و مرد. استاد از این جریان بسیار متعجب و اندوهناک شد، تا اینکه شبی او را در خواب دید و از او پرسید: تو که اهل مسجد و قرآن و درس بودی، چرا این گونه عاقبت به شر شدی؟ گفت: سه چیز در من بود که موجب بدبختی و سوء عاقبت شد: یکی حسادت. من نمی توانستم کسی را بالاتر از خود ببینم دوم، سخن چینی که مردم را به این وسیله به جان هم می انداختم و سوم، گاه گاهی هم شراب می خوردم.<sup>۱</sup>

### ایمنی ولایت مداران

آنان که عمری پیرو مکتب اهل بیت (ع) بوده، در زندگی خود از آنان الگو گرفته اند، در لحظه مرگ، دوستی ائمه (ع) به فریادشان می رسد و اجازه نمی دهد شیطان، ایمان آنان را بر باید و دچار سوء عاقبت شوند. امام صادق (ع) می فرماید:

شیطان، هنگام مرگ هر یک از دوستان ما، سراغش می آید و از سمت راست و چپ در تلاش و تکاپوست تا به او نزدیک شود و ایمان او را بر باید؛ ولی خداوند او را از این کار باز می دارد.<sup>۲</sup> همچنین آن حضرت در باره سوء عاقبت کسانی که از ولی امر زمان خود شناخت ندارند تا بر مدار ولایت حرکت کنند، می فرماید:

آگاه باشید! اگر شخصی شبش را به نماز و روزش را با روزه سپری کند و همه مال خود را در راه خدا صدقه دهد و پیوسته به زیارت خانه خدا برود، ولی به ولایت ولی خدا عارف نباشد تا از او پیروی کند و اعمالش به راهنمایی او نباشد، حق دریافت پاداشی از خدا را ندارد و از اهل ایمان به شمار نمی آید.<sup>۳</sup>

### پرسش

۱. معنای سکرات موت چیست و آیا انبیا و مردان الهی هم دچار آن می شوند؟
۲. سختی و یا آسانی جان دادن به چه عواملی بستگی دارد؟
۳. مشاهدات محتضر در واپسین لحظه های حیات را به اختصار بیان کنید.
۴. همدم و همراه انسان در قبر و قیامت چیست؟
۵. چه خصلت هایی موجب سوء عاقبت می شود؟

۱. معاد، شهید دستغیب، ص ۱۶، با اندکی تلخیص.

۲. بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۸۸.

۳. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۶۹۱.

## برزخ

انسان پس از مرگ وارد عالم دیگری می‌شود که در قرآن کریم با واژه «برزخ»، و در روایات گاهی به همین نام و گاهی با نام «عالم قبر» از آن یاد شده است. برزخ در لغت، فاصله میان دو چیز را گویند.<sup>۱</sup> چون عالم برزخ فاصله میان دنیا و آخرت است و این دو را به هم وصل می‌کند، آن را برزخ می‌نامند.

توضیح آنکه انسان پس از مرگ بیدرنگ وارد عالم قیامت نمی‌شود. بلکه جهانی خاص (برزخ) را طی می‌کند تا هنگامی که قیامت برپا شود، و پس از آن وارد عالم قیامت می‌شود. در کتب تفسیر و روایت، و نیز آثار اندیشمندان اسلامی به طور گسترده درباره برزخ بحث شده است. شهید مطهری درباره عالم برزخ می‌گوید:

مطابق آنچه از نصوص قرآن کریم و اخبار و روایات متواتر و غیر قابل انکاری که از رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) رسیده است استفاده می‌شود که هیچ کس بلافاصله پس از مرگ وارد عالم قیامت کبری نمی‌شود،... هیچ کس در فاصله مرگ و قیامت کبری در خاموشی و بی‌حسی فرو نمی‌رود؛ یعنی چنین نیست که انسان پس از مردن در حال شبیه به بیهوشی فرو رود و هیچ چیز را احساس نکند، نه لذتی داشته باشد و نه المی، نه سروری داشته باشد و نه اندوهی، بلکه همه چیز را حس می‌کند، از چیزهایی لذت می‌برد و از چیزهای دیگر رنج.<sup>۲</sup>

---

۱. مفردات راغب، ص ۴۳.

۲. جهان بینی اسلامی، ص ۴۹۶ - ۴۹۷.



## قرآن و مسئله برزخ

در آیات متعددی از قرآن، برزخ و زندگی برزخی مطرح شده است. قرآن علاوه بر اصل مسئله برزخ، درباره نوعی حیات پس از مرگ و خصوصیات آن، مانند ادراک، گفت و شنود، احساس رنج و لذت سخن می‌گوید. از جمله می‌فرماید:

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ۚ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمٍ يُبْعَثُونَ. (مؤمنون: ۹۹-۱۰۰)

چون مرگ یکی از آنها در رسد، گوید: پروردگارا! مرا بازگردان، شاید در مورد آنچه ترک کرده‌ام، عملی شایسته کنم. هرگز! این سخنی است که وی گوینده آن است پیش رویشان حائلی [برزخ] هست تا روزی که برانگیخته شوند.

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ. (آل عمران: ۱۶۹)

کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده نپندارید، بلکه آنان زندگانند، نزد پروردگار خویش روزی داده می‌شوند.

مقصود آن است که پس از مرگ، شهیدان حیات برزخی دارند و در نعمت به سر می‌برند.

قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا اِثْنَيْنِ وَاَحْيَيْتَنَا اِثْنَيْنِ فَاعْرِضْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ اِلَىٰ خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ. (غافر: ۱۱)

گویند: پروردگارا ما را دوبار میراندی و دو بار زنده کردی، پس ما به گناهان خویش اعتراف داریم، آیا راهی به سوی بیرون رفتن از عذاب هست؟

دو مرگ و دو زندگی حاصل نمی‌شود مگر آنکه به حیات برزخی قائل شویم.<sup>۱</sup>

وَحَاقَ بِالْفِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ ۚ النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَ يُؤْمَتُّوهُ السَّاعَةَ اَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ اَشَدَّ الْعَذَابِ. (غافر: ۴۵-۴۶)

آن عذاب سخت فرعونیان را در میان گرفت. آتشی که، هر صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند و

روزی که رستاخیز برپا شود [گفته می‌شود] فرعونیان را در شدیدترین عذاب داخل کنید.

قرآن دو گونه عذاب برای فرعونیان ذکر می‌کند: یکی پیش از قیامت که از آن به «سوء العذاب»

تعبیر شده است؛ روزی که دو بار بر آتش عرضه می‌شوند، بی آنکه به آن در آیند. دوم پس از

۱. بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۱۱، اقتباس.

برپایی قیامت که از آن به «أَشَدَّ الْعَذَابِ» تعبیر می‌شود؛ فرمان می‌رسد که آنها را به آتش اندازید. عذاب اول در عالم برزخ است.

در جنگ بدر، برخی از کشتگان کفار را در چاهی ریختند. پیامبر (ص) به آنجا رفت و به کشتگان خطاب کرد: «ای کافران! همسایگان بدی برای رسول خدا بودید. او را از خانه خویش راندید و از در دشمنی و جنگ با او درآمدید. من وعده پروردگارم را درست یافتم. آیا شما نیز وعده پروردگارتان را بحق یافتید؟» عمر به رسول خدا گفت: «ای رسول خدا، اینان، بدنهایی بی جان بیش نیستند. چگونه با آنها سخن می‌گویی؟» رسول خدا (ص) فرمود: «بس کن ای پسر خطاب! سوگند به خدا که تو شنواتر از آنان نیستی. چون برخیزم، فرشتگان عذاب با گرزهای آهنین بر سرشان می‌کوبند.»<sup>۱</sup>

از این روایت استفاده می‌شود که انسان پس از مرگ به گونه‌ای دیگر زنده است، و در عالمی که قرآن از آن به «عالم برزخ» تعبیر می‌کند، زندگی جدیدی را آغاز می‌کند.

### رخدادهای عالم برزخ

در روایات بسیاری از پیامبر (ص) و ائمه (ع) مسائل عالم برزخ آمده‌اند. پرداختن به همه آن مسائل و تبیین آنها در این درس میسر نیست. از این رو، به برخی از مهمترین آنها می‌پردازیم:

### بدن برزخی

می‌دانیم که انسان ترکیبی از روح مجرد و بدن خاکی است و منشأ همه ادراکات و افعال او نیز روح است. در حقیقت، بدن ابزاری مادی برای ادراک و فعالیت روح است. روح بعد از مرگ نمی‌میرد و به سوی خدا باز می‌گردد.<sup>۲</sup>

بدن برزخی یا قالب مثالی، که روح پس از مرگ در آن قرار می‌گیرد، از لحاظ شکل و صورت شبیه بدن دنیایی است، ولی وزن و جرم ندارد؛ مانند هنگامی که خواب می‌بینیم و همین بدن با

۱. بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۵۴-۲۵۵.

۲. ر.ک. سجده (۳۲)، آیه ۱۱؛ زمر (۳۹)، آیه ۴۲.

همه تواناییها و ادراکات آن وجود دارد، اما جنبه مادی آن فعال نیست<sup>۱</sup>. حتی انسان گاهی در خواب قویتر از بیداری عمل می‌کند، چون به کارهای بزرگی دست می‌زند که در حال بیداری از او ساخته نیست. بنابر آنچه در روایات آمده است انسان با بدن برزخی لذات و آلام جسمانی را احساس می‌کند.<sup>۲</sup>

### قبر در روایات

اطلاعات ما از عالم برزخ و آنچه در قبر بر انسان می‌گذرد و جزئی از عالم غیب و ملکوت این جهان است بر همان قدری است که پیشوایان معصوم فرموده‌اند. به فرموده علامه مجلسی بنا بر آنچه از روایات بر می‌آید، مراد از قبر در بیشتر روایات جایگاه روح انسان در عالم برزخ است.<sup>۳</sup> بنابراین، عالم قبر در واقع همان عالم برزخ است اگر چه بدن شخص در حفره خاکی دفن می‌شود.

عمرو بن یزید می‌گوید: از امام جعفر صادق (ع) پرسیدم: برزخ چیست؟ فرمود: قبر آدمی عبارت است از آن هنگام که می‌میرد تا روز قیامت.<sup>۴</sup>

بنابراین، مراد از قبر همین گودال خاکی محل دفن بدن میت نیست و اینکه در روایات سخن از عذاب قبر و فشار قبر به میان می‌آید، به این معنا نیست که دیوارهای قبر از دو طرف به هم نزدیک شوند و بدن میت را بفشارند، بلکه این فشار، عذابی است که در ماورای این عالم ماده دامنگیر متوفی می‌شود، گرچه ممکن است فشار وارد بر روح موجب فشار بر بدن نیز گردد. برای همین ممکن است حتی اشخاصی که در قبر خاکی دفن نمی‌شوند، فشار قبر داشته باشند، شبیه کسانی که شب در بستر آرام خوابیده‌اند ولی بر اثر خواب هولناکی که می‌بینند، فشار سختی بر بدنشان وارد می‌شود.

شخصی از امام صادق (ع) پرسید: آیا کسی که بر دار آویخته شده عذاب قبر دارد؟ حضرت فرمود:

۱. ر. ک. حق‌الیقین، علامه مجلسی، ص ۳۸۸-۳۸۹؛ حق‌الیقین، سید عبدالله شبر، جزء دوم، ص ۶۴-۶۵ و ۶۸.  
 ۲. ر. ک. فروع کافی، ج ۳، ص ۲۳۶-۲۴۷، نشر دارصعب و دارالتعارف بیروت؛ بحارالانوار، ج ۶، باب احوال البرزخ.  
 ۳. بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۷۱.  
 ۴. فروع کافی، ج ۳، ص ۲۴۲.

خدای زمین خدای هوا هم هست. خداوند به هوا امر می‌کند که او را بفشارد فشاری شدیدتر از فشار قبر.<sup>۱</sup>

### سؤال قبر

از رخدادهای مهم و حتمی عالم برزخ سؤال دو فرشته «نکیر» و «منکر» است. از گفتار علما بر می‌آید که سؤال نکیر و منکر حقیقت غیر قابل انکار است. شیخ صدوق می‌فرماید: اعتقاد ما در باره سؤال قبر این است که حق است و ناچار به پذیرش آن هستیم.<sup>۲</sup>

روایات در این باره فراوانند؛ از جمله امام جعفر صادق (ع) فرمود:

مَنْ أَتَكَرَّ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ فَلَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا: الْمِعْرَاجُ، وَالْمَسْأَلَةُ فِي الْقَبْرِ، وَالشَّفَاعَةُ.<sup>۳</sup>

هر کس سه چیز را انکار کند از شیعیان ما نیست: معراج، سؤال قبر و شفاعت.

اما درباره اینکه از چه کسانی در عالم برزخ سؤال می‌شود، امام محمدباقر (ع) فرمود:

لَا يُسْأَلُ فِي الْقَبْرِ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضًا، أَوْ مَحَضَ الْكُفْرَ مَحْضًا، فَقُلْتُ لَهُ: فَسَائِرُ النَّاسِ؟ فَقَالَ: يُلْهِى عَنْهُمْ.<sup>۴</sup>

در قبر سؤال نمی‌شود مگر از کسی که ایمان را خالص و کامل کرده، و یا کسی که کفر خود را خالص و کامل کرده است. [راوی گوید:] از امام پرسیدم: پس سایر مردم چی؟ فرمود: به حال خود رها می‌شوند.

بنابر گفته علامه مجلسی از مستضعفین متوسط میان ایمان و کفر خالص سؤال نمی‌شود.<sup>۵</sup> شهید سؤال قبر ندارد؛ زیرا به فرموده پیامبر اکرم (ص) برق شمشیرها بر بالای سرش برای امتحان او کافی است.<sup>۶</sup>

۱. همان، ص ۲۴۱. البته توجه شود روح با محل دفن یک نحوه ارتباطی دارد، و برای همین زیارت قبور مؤمنان مستحب است.

۲. اعتقادات صدوق، باب الاعتقاد فی المسألة فی القبر.

۳. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۲۳، چاپ مؤسسه الوفاء، بیروت.

۴. همان، ص ۲۳۵.

۵. همان، ص ۲۶۰.

۶. ر. ک. کنز العمال، علی بن حسام الدین الهندی، ج ۴، ص ۴۰۷-۴۱۴، مؤسسه الرسالة، بیروت.

راجع به اینکه از چه چیزهایی در قبر سؤال می‌شود، آنچه از اخبار صحیح و مستفیض به دست می‌آید این است که از اصول اعتقادات سؤال و پرسش می‌شود.<sup>۱</sup> از برخی روایات نیز برمی‌آید که از بعضی اعمال مهم فروع دینی هم سؤال می‌شود. امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید:

يُسْأَلُ الْمَيِّتُ فِي قَبْرِهِ عَنْ حَمْسٍ: عَنْ صَلَاتِهِ وَ زَكَاتِهِ، وَ حَجِّهِ وَ صِيَامِهِ، وَ وَلَايَتِهِ إِيَّانَا أَهْلَ الْبَيْتِ....<sup>۲</sup>

از میت در قبرش راجع به پنج چیز سؤال می‌شود: از نمازش و زکاتش و حجّش و روزه‌اش و ولایت ما اهل بیت (ع)....

### تجسم اعمال

از مسائلی که در باره عالم برزخ (و قیامت) مطرح است، تجسم اعمال و اعتقادات آدمی می‌باشد. حکما و متکلمان اسلامی می‌گویند که میان عمل و جزا رابطه علیّ و معلولی و بلکه بالاتر، رابطه عینیت و اتحاد وجود دارد؛ یعنی آنچه در آخرت به عنوان پاداش یا کیفر به نیکوکاران و بدکاران می‌دهند، تجسم عمل آنهاست. نعیم و عذاب آنجا همین اعمال نیک و بد است که وقتی پرده کنار می‌رود تجسم و تمثّل پیدا می‌کند، تلاوت قرآن صورتی زیبا می‌شود و کنار انسان قرار می‌گیرد، غیبت و رنجاندن مردم به صورت خورش سگان جهنم در می‌آید و....<sup>۳</sup>

امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید:

چون مؤمن را در قبر نهند، از قبر او دری بسوی بهشت گشوده می‌شود و مردی بسیار زیبا روی از آن خارج می‌شود و نزد مؤمن می‌آید. مؤمن به او می‌گوید: تو کیستی که من زیباتر از تو را هرگز ندیده‌ام؟! جواب می‌دهد: من اندیشه نیک و عمل صالح تو هستم... و چون کافر را در گور

۱. ر.ک. بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۷۰؛ اعتقادات شیخ صدوق، پاورقی ص ۷۰-۷۱ از شیخ مفید، ترجمه سید محمد علی الحسنی، انتشارات نهضت زنان مسلمان.

۲. همان، ص ۲۶۵-۲۶۶.

۳. رک. مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱، بخش عدل الهی، ص ۲۳۰-۲۳۳، انتشارات صدرا، قم.

نهند، مردی زشت چهره نزد او می آید. کافر از او می پرسد: تو کیستی که هرگز زشت تر از تو ندیده ام؟ جواب می دهد: من کردار زشت و افکار پلید تو هستم...<sup>۱</sup>

### رابطهٔ برزخیان با عالم دنیا

سخنان ائمه طاهرین (ع) و وقوع برخی وقایع عبرت انگیز حاکی از ارتباط ارواح با محل دفن خود و با عالم دنیا و دیدار با خویشاوندانشان است.

گفتنی است که روح هنگام انتقال به عالم برزخ به کلی از دنیا بریده نمی شود، بلکه گاه با آن ارتباط برقرار می کند و گاه به دلیل این ارتباط بدن مادی او هم نمی پوسد. در مواردی اتفاق افتاده که در قبرهای کهنه با جسد تازه روبه رو شده اند. به عنوان نمونه نقل شده است که در زمان فتحعلی شاه می خواستند قبر عالم جلیل القدر، مرحوم ابن بابویه را در شهر ری تعمیر کنند. وقتی وارد سرداب مقبره شدند و آنجا را شکافتند، با جسد تازه آن بزرگوار روبه رو شدند و با تعجب مشاهده کردند حتی رنگ حنای ناخن های آن بزرگوار برطرف نشده با اینکه از زمان دفن آن مرحوم بیش از نهصد سال گذشته بود. شبیه این واقعه در بارهٔ حرّ بن یزید ریاحی نیز نقل شده است.<sup>۲</sup>

#### ۱. دیدار با خویشان

روح شخص پس از مفارقت از بدن و انتقال به عالم برزخ، گاه سراغ خانوادهٔ خود آمده، از حال و وضعیت آنان باخبر می شود. در حدیثی از امام صادق (ع) می خوانیم:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَرُورُ أَهْلَهُ فَيَرَى مَا يُحِبُّ وَيُسْتَرُّ عَنْهُ مَا يَكْرَهُ وَإِنَّ الْكَافِرَ لَيَرُورُ أَهْلَهُ فَيَرَى مَا يَكْرَهُ وَيُسْتَرُّ عَنْهُ مَا يُحِبُّ.<sup>۳</sup>

مؤمن به دیدار خانواده خود می آید و چیزهایی [از کارهای پسندیده] را که دوست دارد، مشاهده می کند، ولی کارهای ناپسند از او پوشیده می ماند و کافر نیز به دیدار خانواده خود می آید و کارهای ناپسند آنان را می بیند و کارهای پسندیده و خوب از دیده او پوشیده می ماند.

۱. فروع کافی، ج ۳، ص ۲۴۱-۲۴۲، مضمون قسمتی از روایت ۱.

۲. معاد، شهید دستغیب، ص ۴۵، به نقل از کتاب روضات الجنّات، ج ۷، ص ۶۷.

۳. کافی، ج ۳، ص ۳۳۰.

## ۲. رسیدن خیرات و هدایا به مردگان

کارهای نیکی که به نیت مردگان انجام می‌شود، به صورت هدیه به آنها می‌رسد. امام صادق (ع) از رسول اکرم (ص) نقل می‌کند:

حضرت مسیح، از کنار قبری می‌گذشت. صاحب آن را در عذاب الهی دید. سال دیگر که از آنجا می‌گذشت او را در آرامش مشاهده کرد. سبب را از خداوند پرسید. از سوی خدا وحی آمد که این دگرگونی به سبب خیری است که فرزند صالح او برایش انجام داد؛ جاده‌ای را اصلاح کرد و یتیمی را پناه داد.<sup>۱</sup>

همچنین اگر انسان سنت حسنه‌ای را میان مردم بنیان گذارد، یا صدقه جاریه‌ای داشته باشد، آثار و برکاتش پس از مرگ به او می‌رسد. امام صادق (ع)، می‌فرماید:

شش چیز است که مؤمن بعد از مرگش از آن بهره می‌گیرد: فرزند شایسته‌ای که برای او استغفار کند، قرآنی که مردم آن را تلاوت کنند، چاه آبی که حفر کرده است، درختی که غرس نموده و چشمه آبی که در اختیار مردم گذاشته است و نیز سنت نیکی که بعد از وی به آن عمل شود.<sup>۲</sup>

## پرسش

۱. برزخ را تعریف کنید.

۲. در قرآن کریم برای عالم برزخ و زندگی در آن چه خصوصیات ذکر شده است؟

۳. ویژگیهای بدن برزخی را بنویسید.

۴. مقصود از قبر در روایات چیست؟

۵. تجسم اعمال به چه معنا است؟

۱. بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۲۰.

۲. همان، ص ۲۹۳.

## رستاخیز

اعتقاد به روز قیامت، از ضروریات ادیان الهی است و همه مؤمنان باور دارند که جهان کنونی روزی نابود خواهد شد و جهان نوینی به نام سرای آخرت آغاز خواهد گشت و نقطه آغازین آن نیز روز قیامت است؛ «حادثه‌ای است که همه اشیا و همه انسان‌ها را در برمی‌گیرد و واقعه‌ای است که برای کل جهان رخ می‌دهد. کل جهان وارد حیات جدید و نظام نوین می‌گردد. قرآن کریم که ما را از حادثه بزرگ قیامت آگاه کرده، ظهور این حادثه بزرگ را مقارن با خاموش شدن ستارگان، بی‌فروغ شدن خورشید، خشک شدن دریاها، هموار شدن ناهمواری‌ها، متلاشی شدن کوه‌ها و پیدایش لرزش‌ها و غرش‌های عالمگیر و دگرگونی و انقلاب‌های عظیم و بی‌مانند دانسته است. مطابق آنچه از قرآن کریم استفاده می‌شود تمامی عالم به سوی انهدام و خرابی می‌رود و همه چیز نابود می‌شود و بار دیگر جهان نو سازی می‌شود و تولدی دیگر می‌یابد و با قوانین و نظام دیگر که با قوانین و نظام فعلی جهان تفاوت‌های اساسی دارد ادامه می‌یابد و برای همیشه باقی می‌ماند.»<sup>۱</sup>

قرآن مجید از قیامت به «یوم الحق» تعبیر کرده که گویای حقانیت، قطعیت و وقوع حتمی آن است. همچنین هفتاد بار با «یوم القیامه» از آن یاد کرده است و به تناسب رخدادها و حالات گوناگونی که در آن روز پیش می‌آید، نام‌های دیگری نیز بر آن نهاده است که مشهورترین آنها «یوم الدین» و «یوم الاخر» است. یوم الخروج، یوم الحسره، یوم التغابن، یوم عظیم، یوم

---

۱. مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، شهید مطهری، ص ۵۰۲-۵۰۳.



الوعید، یوم الخلود، یوم الجمع، یوم عسیر، یوم الفصل، یوم عصب و یوم مشهود، از جمله نام‌هایی است که در قرآن برای این روز آمده است. به عنوان مثال، یوم الجمع بدین معناست که همه نسل آدم از ابتدا تا انتها در آن روز زنده می‌شوند و گرد هم می‌آیند، به حسابشان رسیدگی می‌شود و در نهایت به بهشت یا دوزخ وارد می‌شوند.

### رخداد عظیم

بدون تردید، بزرگ‌ترین حادثه‌ای که در عالم امکان رخ خواهد داد، روز قیامت است؛ چرا که پیش از وقوع آن همه هستی دگرگون خواهد شد و زلزله‌ای به وقوع خواهد پیوست که خداوند نیز آن را بزرگ خوانده است.<sup>۱</sup>

### الف. شیپور پایانی

واژه «صور» که به معنای شیپور است، ده بار در قرآن تکرار شده که برخی مربوط به شیپور پایانی جهان است که با دمیده شدن در آن، همه زندگان می‌میرند. برخی نیز مربوط به شیپور آغازین سرای دیگر است که با دمیدن در آن، همه مردگان زنده می‌شوند و در آیه زیر به هر دو نفخه اشاره شده است:

وَنُفِّخُ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِّخُ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ. (زمر: ۶۸)

و در صور دمیده می‌شود، پس هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است بی‌هوش در می‌افتد [می‌میرد]، مگر کسی که خدا بخواهد. سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود و به ناگاه آنان بر پای ایستاده، می‌نگرند.

در آیات دیگری سخن از صیحه آسمانی و ناقور به میان آمده که معنایی نزدیک به نفخه صور دارند. در حضور امام زین العابدین (ع) سخن از نفخه صور و فاصله میان دو نفخه و چگونگی آن به میان آمد، امام فرمود:

فاصله میان آن دو را خدا می‌داند، ولی کیفیت آن به این شکل است که خداوند به اسرافیل امر

می‌کند که به سوی دنیا فرود آید و در شیپوری که دو شاخه می‌شود می‌دمد و از يك شاخه آن صدا به زمین می‌رسد و هر جانداري با شنیدن آن، فریاد می‌کشد و جان می‌دهد و از دیگر شاخه آن صدا به آسمان می‌رود و اهل آسمان‌ها با شنیدن آن جان می‌دهند... امام پس از پایان حدیث به سختی گریست...<sup>۱</sup>

### ب. زلزله شدید

چنان که در آیه اول سوره حج اشاره شد، پایان دنیا با زلزله بسیار شدیدی همراه است که شدت آن با مقیاس‌هایی که اکنون ما می‌شناسیم قابل اندازه‌گیری نیست و باید گفت واژه‌ها از ترسیم آن واقعه ناتوانند و آن زلزله را با زلزله‌هایی که در بخشی از زمین رخ می‌دهد، نمی‌توان مقایسه کرد و شدت آن را نمی‌توان فهمید. قرآن مجید در جای دیگر از آن رخداد هولناک چنین خبر می‌دهد:

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۝ لَيْسَ لَوْفَعَتِهَا كَاذِبَةٌ ۝ خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ ۝ إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا ۝ وَيُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًا ۝ فَكَانَتْ هَبَاءً مُثْبَتًا. (واقعه: ۱-۶)

وقتی آن واقعه رخ می‌دهد که در وقوع آن هیچ [تردید و] دروغ نیست، پست کننده است و بالا برنده، چون زمین با تکان سختی لرزانده شود، کوه‌ها جمله ریزه ریزه می‌شوند، و چون غباری پراکنده گردند.

در آیه دیگر بیان می‌کند که از شدت این لرزه کوه‌ها چون پشم زده شده، در هوا معلق می‌گردند:

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ. (قارعه: ۵)

اقیانوس‌ها نیز که  $\frac{3}{4}$  زمین را تشکیل داده‌اند از جا کنده می‌شوند:

وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ. (انفطار: ۳)

### ج. درهم پیچیده شدن آسمان‌ها

همزمان با زلزله زمین و مرگ زندگان، آسمان‌ها نیز درهم می‌ریزند. قرآن مجید دگرگونی

۱. تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۰۲.

آسمان را گاه با «مهل = مس گذاخته»<sup>۱</sup>، گاهی با «دخان = دود»<sup>۲</sup> و گاه با «انشقاق = شکافته شده»<sup>۳</sup> بیان می‌کند و حالت نهایی آن را این گونه ترسیم می‌نماید:

يَوْمَ تَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجِلِّ لِلْكُتُبِ. (انبیاء: ۱۰۴)

روزی که آسمان را همچون در پیچیدن صفحه نامه‌ها در هم می‌پیچیم و در پی آن، خورشید نیز در هم نور دیده می‌شود.

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ. (تکویر: ۱)

و ماه چون از خورشید، نور می‌گیرد، تاریک می‌شود؛

وَحَسَفَ الْقَمَرُ. (قیامت: ۸)

و قانون جاذبه عمومی و گریز از مرکز خنثی می‌شود و خورشید و ماه به هم می‌پیوندند؛

وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ. (قیامت: ۹)

چنانکه دیگر ستارگان نیز تاریک می‌گردند:

وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ. (تکویر: ۲)

### سرعت غافلگیر کننده

واژه «بغته» که به معنای ناگهانی است، سیزده بار در قرآن مجید آمده که بیشتر درباره قیامت و فرجام جهان است و همه آنها به انسان‌ها هشدار می‌دهند که از عاقبت خویش غافل نباشند و به گونه‌ای عمل کنند که اگر مرگ سراغشان آمد، فرجام نیکویی داشته باشند. از آن جمله، این آیه هشدار می‌دهد:

أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يُشْعُرُونَ.

(یوسف: ۱۰۷)

آیا [مردم] ایمنند از اینکه عذاب فراگیر خدا به آنان در رسد یا قیامت - در حالی که بی‌خبرند -

بناگاه آنان را فرا رسد؟

۱. معارج (۷۰)، آیه ۸.

۲. دخان (۴۴)، آیه ۱۰.

۳. انشقاق (۸۴)، آیه ۱.

در باره وقوع ناگهانی قیامت گفته‌اند که همین طور که مردم مشغول امور روزه مره زندگی‌اند، ناگاه قیامت برپا می‌شود؛ مثلاً شخصی پارچه‌ای از بزاز خریده. پیش از آنکه بزاز آن را پیچیده و تحویل بدهد مرگشان فرا می‌رسد. یا شخصی لقمه‌ای را به سوی دهان می‌برد و پیش از آنکه به دهانش برسد، مرگ او را در می‌رباید. دیگری فرصت وصیت کردن نمی‌یابد، چهارمی از بازگشتن سوی خانه‌اش باز می‌ماند و...<sup>۱</sup> در آن هنگامه فرجام نیک در انتظار مؤمنان با تقوایی است که زندگی خویش را بر پایه ایمان و توکل بر خدا تنظیم کرده‌اند و زبان حال و قال آنان بسان مولایشان علی (ع) است که فرمود:

وَاللّٰهُ مَا اُبَالِي دَخَلْتُ اِلَى الْمَوْتِ اَوْ خَرَجَ الْمَوْتُ اِلَيَّ<sup>۲</sup>

به خدا سوگند هیچ باکی ندارم از اینکه به سوی مرگ بشتابم یا مرگ به سوی من آید.

### مردم در صحنه محشر

در روز قیامت تمامی مردمان به قدرت پروردگار از دل خاک بیرون می‌آیند. این خلقت، بر خلاف خلقت آغازین که تدریجی بوده است، یکباره است:

قُلْ اِنَّ الْاَوَّلَيْنَ وَالْاٰخِرِيْنَ يَجْمَعُوْنَ اِلَىٰ مِيقَاتٍ يَوْمٍ مَّعْلُوْمٍ. (واقعہ: ۴۹-۵۰)

بگو: همه پیشینیان و پسینیان در وعده‌گاه روزی معین گرد می‌آیند.

همه انسان‌ها در میقات و روز معین زنده می‌شوند و در عرصه محشر و صحنه قیامت، در کام اضطراب‌ها و انقلاب‌های عظیم رستخیز قرار می‌گیرند. در آن روز، گروهی از شادمانی رخسارشان برافروخته و نورانی است. اینان کسانی‌اند که در دنیا با اندیشه و باوری راستین، عمری را به اطاعت حق سپری کرده و فریب ظواهر و لذات زودگذر را نخورده و همواره بر محور حق ثابت قدم بوده‌اند و اینان کسانی‌اند که در آن روز غم و اندوهی ندارند و اوضاع قیامت آنان را اندوهناک نمی‌کند، بلکه فرشتگان الهی به استقبالشان می‌شتابند و بدانان می‌گویند: «این همان روزی است که به شما وعده داده شده بود.» اینک، پس از عمری تلاش و شکیبایی و پس از لحظه‌شماری‌ها، روز موعود فرا رسیده است و می‌توانند فارغ از محرومیت‌ها

۱. بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۲۰.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۵۴، ص ۱۴۳.

و محدودیت‌ها، در جوار رحمت الهی به نعمت لقای معبود خویش در بهشت رضوان نایل آیند. از شادی و شغف، سیمایشان برافروخته می‌گردد و از نتیجه کوشش و تلاش خود در دنیا، راضی‌اند و به مقام‌های عالی راه می‌یابند:

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ ۝ لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ ۝ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ. (غاشیه: ۸-۱۰)

چهره‌هایی در آن روز شاداب و باطراوتند و از سعی و تلاش خود خشنودند، در بهشتی عالی جای دارند. اما گروه دیگر، رخسارشان در هم شکسته و ذلت بار است و در رنج و مشقت خواهند بود:

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ۝ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ. (غاشیه: ۲-۳)

چهره‌هایی در آن روز خاشع و ذلت بارند، آنها که پیوسته عمل کرده و خسته شده‌اند [و نتیجه‌ای عایدشان نشده است].

این گروه که از دنیا جز روی گردانی از حق، عناد، نفاق، گمراهی و ستم توشه‌ای برای خود نیاورده‌اند، چهره‌هایی سیاه و پوشیده از اندوه و خواری دارند.

آن‌گاه که فریاد سهمگین قیامت برآید، انسان از برادر و پدر و مادر و زن و فرزندش می‌گریزد؛ روزی که هر کسی گرفتار کار خویش است. چهره‌هایی در آن روز درخشان و فرحناک است و چهره‌هایی، گرد اندوه و خاک مذلت، آنها را پوشانیده است. اینان، کافران و گناهکارانند:

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ۝ ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ ۝ وَ وُجُوهٌُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ۝ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ ۝ أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجَرَةُ. (عبس: ۳۸-۴۲)

چهره‌هایی در آن روز گشاده و نورانی است، خندان و مسرور است، و صورتهایی در آن روز غبار آلود است، و دود تاریکی آنها را پوشانده است، آنان همان کافران فاجرند.

بنابراین، در صحنه محشر، پاکان و ناپاکان، نیکوکاران و گناهکاران، از چهره و سیمایشان شناخته می‌شوند:

يُعْرِفُ الْمَجْرُمُونَ بِسِوَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ. (الرحمن: ۴۱)

گناهکاران به سیمایشان شناخته می‌شوند. پس، به موی پیشانی و گام‌ها گرفته می‌شوند.

## سنجش اعمال در قیامت

از نام‌های روز قیامت «يوم الحساب» است؛ زیرا روز قیامت، روز حساب و محاسبه است. در آن روز همه مردم برای داوری در دادگاه قیامت حاضر می‌شوند و به حساب عقاید و

اعمالشان رسیدگی می‌شود و براساس نتیجه این حسابرسی پاداش می‌گیرند یا به کیفر می‌رسند:

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَاهَا وَ  
كَفًىٰ بِنَا حَاسِبِينَ. (انبیاء: ۴۷)

و ما ترازوهای عدل را برای روز قیامت بر خواهیم نهاد و به هیچ کس ستمی نخواهد رفت و اگر عملی به اندازه دانه خردلی باشد، در حساب آوریم و کفایت می‌کند که ما حسابگر هستیم. میزان سنجش عمل چیست؟ اعمال انسان‌ها را با چه ترازو و میزانی می‌سنجند؟ از امام صادق (ع) درباره «میزان» سنجش عمل، که در آیه آمده است، پرسیدند. امام فرمود:

انبیا و اوصیا (ع) میزان هستند.<sup>۱</sup>

همچنین در زیارت حضرت امیر (ع) می‌خوانیم:

اَلسَّلَامُ عَلٰی مِيزَانِ الْاَعْمَالِ.<sup>۲</sup>

سلام بر میزان اعمال.

بنابراین، می‌توان دریافت که انسان‌های کامل نمونه‌هایی آرمانی هستند که میزان سنجش اعمال انسان قرار می‌گیرند؛ همچنان که انسان‌ها می‌توانند در دنیا نیز خود را با این موازین و نمونه‌ها ارزیابی کنند و به ارزش خود پی ببرند.

در میزان‌های اخروی، که موازین قسط و عدلند، تنها اعمالی وزن دارند که از حقیقت بهره‌ای داشته باشند. کارهای نیک که با نیت خالصانه انجام گیرد و با روح اخلاص حیات یابد، در این میزان‌ها سنگین است و کارهای زشت و اعمالی که به سبب ریا و شرک رنگ باطل به خود گرفته‌اند، وزنی ندارند و به صاحبش بهره‌ای نمی‌رسانند.

وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ  
الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ. (اعراف: ۸-۹)

و سنجش اعمال در آن روز حق است. پس، آنان که ترازویشان سنگین درآید، آنان در ستگاران و کسانی که ترازویشان سبک درآید، آنان خویشان را تباه کرده‌اند، به سبب آنکه به آیات ما ستم ورزیده‌اند.

۱. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۹۴.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۸۷.

## پرونده اعمال

از قرآن برمی آید که همه پندار و گفتار و کردار انسان در این جهان به وسیله مأموران الهی ثبت می گردد و هیچ چیز گرچه اندک، از قلم نمی افتد و تمامی آنها در روز حساب بر او عرضه می گردد؛ آنسان که وقتی مجرمان و گناهکاران در پرونده اعمال خود می نگرند، با شگفتی و ناراحتی، در حالی که از دیدن آن ترسان و هراسانند، می گویند:

يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا. (کهف: ۴۹)

وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ ریز و درشتی را فرو نگذاشته و همه را برشمرده است! همچنین، از آیات قرآن کریم به دست می آید که منظور از «کتاب» و نامه اعمال، پرونده ای نیست که در آن نوشته ها و حساب و کتابی آمده و کردار و گفتار و پندار آدمی در آن بایگانی شده باشد، بلکه مقصود مجموعه اعمال انسان و حقیقت آنهاست که مجسم گشته و پیش روی او حاضر شده اند.

وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَشْهُورًا ۝ اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا. (اسراء: ۱۳ - ۱۴)

و ما نتیجه اعمال هر انسانی را بر گردنش می نهیم و در روز قیامت کتابی بر او بیرون می آوریم که آن را گشوده می بیند. [به او می گویند: کتابت را بخوان که تو خود برای رسیدگی به حساب خویش کافی هستی.

## پرسش

۱. برخی از نامهای رستاخیز را برشمارید.
۲. رمز نامگذاری قیامت به يوم الحق و يوم الجمع چیست؟
۳. مهم ترین حوادثی که در آستانه قیامت رخ می دهد کدام است؟
۴. سرعت غافلگیرکننده وقوع قیامت را توضیح دهید.
۵. سیمای مردم هنگام برپایی قیامت چگونه است؟
۶. منظور از سنجش اعمال چیست؟
۷. نظر قرآن مجید درباره پرونده اعمال چیست؟

## حشر انسان با چهره حقیقی

از منابع و متون اسلامی برمی آید که در روز قیامت انسانها با چهره حقیقی و حقیقت باطنیشان محشور می شوند، به این معنا که سرشت باطنی و سیرت حقیقی هر کس با اعمال و اعتقادات او شکل می گیرد.

اگر شخصی دارای عقاید باطل و اعمال و رفتار زشت و ناپسند باشد، در زمره «مجرمان» محسوب و حشر خاصی متناسب با چهره باطنی اش دارد. اما اگر شخص از اهل ایمان و دارای اعتقادات درست و اعمال پسندیده و نیکو باشد، جزو گروه «پرهیزکاران» به شمار می رود و از حشر ممتازی برخوردار می گردد.

در اینجا به برخی از آیات و روایاتی می پردازیم که درباره حشر مجرمان و پرهیزکاران سخن می گویند:

### کیفیت حشر مجرمان در قرآن

در باره کیفیت حشر مجرمان چند دسته آیات وجود دارد، که هر یک بخشی از وقایع تلخ و صحنه های وحشتناک آن را بازگو می کنند:

دسته اول آیاتی است که در آنها کلمه حشر به کار رفته است و برخی از آن آیات عبارتند از:

يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا ۝ وَ نَسُوقُ الْكُفْرَانَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا. (مریم: ۸۵-۸۶)

در آن روز که پرهیزکاران را دسته جمعی به سوی خداوند رحمان [و پادشاهای او] محشور می کنیم، و

مجرمان را [همچون شتران تشنه که به سوی آبگاه رانده می شوند] به سوی جهنم می رانیم.



و نَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِيًّا وَ بُكْمًا وَ صُمًّا مَا لَهُمْ فِيهِمْ جَهَنَّمُ. (اسراء: ۹۷)

و روز قیامت، آنها را بر صورتهایشان محشور می‌کنیم، در حالی که نابینا و گنگ و کردند، و جایگاهشان دوزخ است.

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَ نَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا. (طه: ۱۰۲)

روزی که در صور دمیده می‌شود و مجرمان را با بدنهای کبود، در آن روز جمع می‌کنیم. دسته دیگر آیاتی است که در آنها مسئله حشر مجرمان در صحرای قیامت بدون ذکر کلمه حشر آمده است، که این گونه آیات خود به چند دسته تقسیم می‌شوند و هر یک از زاویه‌ای خاص به حشر مجرمان و چگونگی آن پرداخته است. برخی از این آیات عبارتند از:

يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَانَهُمْ إِلَىٰ نُصَبٍ يُوَفِّضُونَ ۝ خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُفُهُمْ ذَّلَّةٌ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ. (معارج: ۴۳-۴۴)

همان روز که از قبرها به سرعت خارج می‌شوند، گویی به سوی علامتهایی می‌دوند در حالی که چشمهایشان از شرم و وحشت به زیر افتاده و پرده‌ای از ذلت و خواری آنها را پوشانده است. این همان روزی است که به آنها وعده داده می‌شد.

يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسَبَأِهِمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَ الْأَقْدَامِ. (الرحمان: ۴۱)

مجرمان از چهره‌هایشان شناخته می‌شوند و آنگاه آنها را از موهای پیش سر و پاهایشان می‌گیرند [و به دوزخ می‌افکنند].

وَ كَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ۝ وَ يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا. (فرقان: ۲۶-۲۷)

و آن روز، روز سختی برای کافران خواهد بود و روزی که ستمکار دست‌خود را به دندان می‌گزد و می‌گوید: «ای کاش با رسول راهی برگزیده بودم!»

وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ. (روم: ۱۲)

آن روز که قیامت برپا می‌شود مجرمان در نومیدی و غم و اندوه فرو می‌روند.

وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وَجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ. (زمر: ۶۰)

و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند می‌بینی که صورتهایشان سیاه است!

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ ۝ لِكُلِّ امْرِيٍّ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ۝ ... وَوُجُوهٌُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ ۝ أُولَئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ. (عیس: ۳۳ و ۳۷ و ۴۰ - ۴۲)

هنگامی که آن صدای مهیب [صیحه رستاخیز] بیاید [کافران در اندوه عمیقی فرو می‌روند]!... در آن روز هر کدام از آنها وضعی دارد که او را کاملاً به خود مشغول می‌سازد!... و صورتهایی در آن روز غبارآلود است و دود و تاریکی آنها را پوشانده است. آنان همان کافران فاجرند.

### کیفیت حشر مجرمان در روایات

معاذ از پیامبر اکرم (ص) درباره آیه «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا» پرسید که مراد از اینکه دسته دسته می‌آیند چیست. پیامبر (ص) فرمود:

... ده گروه از امت من در روز قیامت به صورت پراکنده محشور می‌شوند. خداوند این ده گروه را از جمله مسلمانان جدا می‌کند و صورشان را تغییر می‌دهد؛ گروهی به شکل میمون برانگیخته می‌شوند، گروهی به صورت خوک، گروهی وارونه، پاها به بالا و سر به پایین و با این حال کشیده می‌شوند، عده‌ای کور و بعضی لال و کر که تفکر نمی‌کنند، گروهی زبانهایشان را می‌چوند و چرک از دهانشان بیرون می‌آید، بعضی دست و پا بریده و گروهی بر شاخه‌هایی از آتش، کشیده شده، عده‌ای بدبوتر از مردار و گروهی لباسهای آتشین پوشیده‌اند.

آنان که به صورت میمون هستند، سخن چینانند. آنان که به صورت خوک هستند، اهل مال حرامند. اما وارونه‌ها، رباخوارانند و کوران، حاکمان به جور و ستم. کر و لالها کسانی‌اند که نسبت به اعمال خود غجب داشته، خودپسند بودند. آنان که زبانشان را می‌چوند، دانشمندان و حاکمانی‌اند که کردارشان با گفتارشان مخالف بوده است. دست و پا بریده‌ها، کسانی‌اند که همسایه را آزرده‌اند. بر شاخه‌های آتش کشیده‌ها کسانی‌اند که از مردم نزد پادشاه، جاسوسی و سخن چینی می‌کرده‌اند. آنان که بدبوتر از مردارند، کسانی‌اند که از شهوات و لذتها برخوردار بوده‌اند و حق الهی را که در مال آنها بوده، نمی‌پرداخته‌اند. آنان که لباسهای آتشین پوشیده‌اند، متکبران و فخر فروشهایند.<sup>۲</sup>

۱. نبأ (۷۸)، آیه ۱۸.

۲. مجمع البیان، ج ۹ و ۱۰، ص ۶۴۲ بیروت.

امام صادق (ع) می فرماید:

کسانی که با مسلمانها دورو بوده اند، در حضور بندگان خدا طوری سخن می گفته و در غیاب آنان طور دیگر، در قیامت دو زبان از آتش دارند.<sup>۱</sup>

در روایتی دیگر پیامبر (ص) فرمود:

کسی که اهل گناه بزرگ، زنا و لواط باشد، بدبوتر از مردار به دوزخ می افتد، کسی که میان همسران خود به عدالت رفتار نکند، در قیامت به دست او غل و زنجیر می زنند، کسانی که در دنیا متکبرند، در قیامت با قیافه هایی بسیار خُرد، لگدمال می شوند.<sup>۲</sup>

### کیفیت حشر پرهیزکاران در قرآن

انسانهای مؤمن که معتقدات باطنی و ایمان قلبی خویش را با اعمال صالح و نیکوکاری آمیختند، و پایبندی عملی خویش را به باورهای دینی نشان دادند و بر این تعهد واقعی ثابت و پایدار ماندند، حشر ممتاز و ویژه ای دارند که در صحنه محشر مشهود همگان است، و مایه تعجب و تحسین دیگران خواهد شد.

حشر پرهیزکاران در آیات بسیاری از قرآن کریم طرح و ترسیم شده است، که در اینجا برخی از آنها را می آوریم. از جمله قرآن می فرماید:

يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا. (مریم: ۸۵)

روزی که پرهیزکاران را دسته جمعی به سوی خداوند رحمان محشور می کنیم.

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ. (نحل: ۸۹)

کسانی که کار نیکی انجام دهند پاداشی بهتر از آن خواهند داشت، و آنان از وحشت آن روز درامانند! وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِئِدُ يَتَفَرَّقُونَ ۝ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ. (روم: ۱۴-۱۵)

آن روز که قیامت برپا می گردد [مردم] از هم جدا می شوند؛ اما آنان که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، در باغی از بهشت شاد و مسرور خواهند بود.

۱. بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۱۸.

۲. همان، ص ۲۱۳، اقتباس از روایت ۱۱۶.

مؤمنان پرهیزکار در آن روز با نور ایمان محشور می‌شوند:

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. (حدید: ۱۲)

[این پاداش بزرگ] در روزی است که مردان و زنان با ایمان را می‌نگری که نورشان پیش رو و در سمت راستشان به سرعت حرکت می‌کند [و به آنها می‌گویند: بشارت باد بر شما امروز به باغهایی از بهشت که نهرها زیر [درختان] آن جاری است، جاودانه در آن خواهید ماند و این همان رستگاری بزرگ است.

در روز حشر، پرهیزکاران ترس و اندوهی نداشته، خوشحال و مسرورند:

يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ. (زخرف: ۶۸)  
ای بندگان من! امروز نه ترسی بر شماست و نه اندوهگین می‌شوید.  
وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ۖ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ. (عبس: ۳۸-۳۹)  
چهره‌هایی در آن روز گشاده و نورانی است، خندان و مسرور است.

### کیفیت حشر پرهیزکاران در روایات

امام جعفر صادق (ع) در این باره می‌فرماید:

الْقِيَامَةُ عُرْسُ الْمُتَّقِينَ.<sup>۱</sup>

قیامت جشن عروسی پرهیزکاران است.

همچنین می‌فرماید:

علی (ع) از رسول خدا (ص) درباره تفسیر آیه: «يَوْمَ تَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا» پرسید. فرمود: ای علی! مراد از «وفد» نیست مگر سواران. آنان مردانی هستند که پرهیزکار و خدا ترس بودند و خداوند آنان را دوست داشت و [به مقام ویژه] اختصاص داد، و از اعمالشان راضی بود، و آنها را «پرهیزکاران» نامید. ای علی! سوگند به کسی که دانه را شکافت و جان را آفرید، آنان از قبرهایشان خارج می‌شوند و سفیدی صورتشان مانند سفیدی برف است، بر تنشان لباسهایی است که سفیدی آن همچون سفیدی شیر است، بر پاهایشان کفشهایی است که بندهایش از لؤلؤ

۱. بحارالانوار، ج ۷، ص ۱۷۶.

است که درخشش دارد... با هر شخصی از پرهیزکاران هزار فرشته، از پیش روی او و سمت راست و سمت چپش می‌باشد... سپس خداوند جبار به فرشتگانی که با اویند می‌گوید: دوستان مرا به بهشت محصور کنید، آنها را با خلاق نگه ندارید، چون خشنودی من از آنان پیش‌تر محقق شده و رحمت من بر آنان واجب گشته... آنگاه علی (ع) پرسید: ای رسول خدا (ص)! آنان کیانند؟ فرمود: آنان تو و شیعیان تواند.<sup>۱</sup>

رسول خدا (ص) خطاب به علی (ع) فرمود:

ای علی! تو و شیعیانت بر حوض (کوثر) هستید، هر کس را که دوست داشته باشید [از حوض کوثر] می‌آشامد، و هر کس را که دوست نداشته باشید؛ نمی‌آشامد. شما در روز وحشت بزرگ [قیامت] در سایه عرش هستید. مردم در وحشتند، ولی شما وحشت نمی‌کنید. مردم اندوهگین هستند، اما شما اندوهگین نیستید...<sup>۲</sup>

امام صادق (ع) فرمود:

هنگامی که خداوند بنده مؤمن را از قبر بیرون می‌آورد، با او موجودی به شکل انسان است که پیشاپیش او حرکت می‌کند. هرگاه بنده مؤمن صحنه هراس آوری از صحنه‌های ترسناک قیامت را مشاهده می‌کند، آن همراه به او می‌گوید: وحشت نکن، و اندوهگین مباش، و بشارت باد بر تو سرور و کرامت از سوی خدای عزیز و بلند مرتبه. تا اینکه در پیشگاه خداوند عزیز و بلند مرتبه می‌ایستد و حسابرسی آسانی می‌شود و به او دستور می‌دهند که وارد بهشت شو و آن همراه پیشاپیش اوست. بنده مؤمن به او می‌گوید: خدا تو را رحمت کند! چه همراه خوبی بودی.<sup>۳</sup>

در روایتی دیگر از پیامبر (ص) چنین آمده است:

آگاه باشید! هر که علی را دوست بدارد، خداوند نامه عملش را به دست راستش دهد و با او همانند حساب انبیا، محاسبه کند... آگاه باشید! هر که علی را دوست بدارد، روز قیامت در حالی که صورتش مانند بدر [ماه شب چهارده] می‌درخشد محصور شود... آگاه باشید! هر که

۱. همان، ص ۱۷۲ - ۱۷۳ و ۱۹۴ - ۱۹۵.

۲. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۷۹.

۳. همان، ص ۱۹۷.

علی (ع) را دوست بدارد، خداوند برای او آزادی از آتش و گذشت از پل صراط و امنیت از عذاب را می نویسد...<sup>۱</sup>

### امان یافتگان از وحشت قیامت

از امام صادق (ع) روایت است که هر کس برادر مؤمنش از او یاری بخواهد و ناراحتی او را برطرف کند یا احتیاجش را برآورد، در مقابل آن، هفتاد رحمت برای وحشت روز قیامت به او خواهد رسید.<sup>۲</sup>

چند خصلت، موجب ایمن بودن از وحشت روز قیامت برای مؤمن می شود: احترام به پیرمرد مسلمان، دفن شدن در حرم، مردن در حرم خدا یا پیامبر، نهادن دست بر روی قبر و خواندن هفت مرتبه سوره قدر، کسی که زمینه گناه یا زنا برایش فراهم شود و از ترس خدا از آن دوری کند، کسی که در برابر مردم بر خویشتن غضب کند (انصاف دادن به مردم) و کسی که در راه مکه چه در رفتن یا برگشتن بمیرد و کسی که چشمش از ترس خداوند گریان باشد.<sup>۳</sup>

شخصی از امام باقر (ع) پرسید: روز قیامت، رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و شیعیان او کجا هستند؟ حضرت فرمود: رسول خدا، علی و شیعیان او بر کوه بلندی از خوشبوترین مشک بر منبرهایی از نور می باشند. مردم در حال اندوه هستند و ایشان اندوهناک نمی باشند و مردم در حال وحشتند و ایشان وحشت ندارند...<sup>۴</sup>

### شاکیان قیامت

انسان در قیامت شاکیانی دارد. در قرآن آمده است که پیامبر (ص) در روز قیامت نزد خداوند شکایت کرده، می گوید:

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا. (فرقان: ۳۰)

و پیامبر گفت: پروردگارا! قوم من قرآن را رها کردند.

۱. تسلیة الفؤاد، ص ۱۶۱.

۲. سفينة البحار، ج ۲، ص ۳۶۰.

۳. همان.

۴. بحارالانوار، ج ۷، ص ۱۷۵.

رسول خدا (ص) فرمود:

روز قیامت، سه چیز با حالت شکایت به صحنه می آیند: قرآن، مسجد و اهل بیت من. قرآن می گوید: پروردگار! مرا تحریف کردند و پاره پاره کردند. و مسجد می گوید: خدایا! مرا رها کردند و ضایع ساختند. و اهل بیت پیامبر می گویند: خداوند! ما را کشتند و تبعید و آواره مان ساختند.<sup>۱</sup>

#### پرسش

۱. حشر گنهکاران را از نظر قرآن به اختصار بنویسید.
۲. حشر گنهکاران را از دیدگاه روایات به صورت فشرده بنویسید.
۳. پرهیزکاران در نظر قرآن و روایات چگونه حشری دارند؟
۴. چند دسته از مردم را نام ببرید که از وحشت روز قیامت در امان می مانند.
۵. شاکیان در قیامت کیانند؟ نام ببرید.

---

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۴.

## دادگاه الهی و شفاعت

### الف - دادگاه الهی

انسان به همه کرده‌ها و اندوخته‌های خویش آگاهی کامل دارد و همواره در محکمه وجدان خود را محاکمه می‌کند و گاه حاکم و گاهی محکوم می‌شود، اما باز در روز رستاخیز با حضور در دادگاه عدل الهی به کلیه امور او رسیدگی می‌شود و پس از دادخواهی، ارائه اسناد و مدارک، گواهی شاهدان و... رأی نهایی به سود یا زیان او صادر می‌شود. رسول خدا(ص) فرموده است:

لَا يَزُولُ قَدَمُ عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ: عَنْ جَسَدِهِ فَمَا أَبْلَاهُ وَ عَنْ عُمْرِهِ فَمَا أَفْنَاهُ وَ عَنْ مَالِهِ فَمَا اكْتَسَبَهُ وَ فَمَا أَنْفَقَهُ وَ عَنْ حُبِّنا أَهْلَ الْبَيْتِ<sup>۱</sup>.

بنده در روز قیامت، گام از گام بر نمی‌دارد تا از چهار چیز توضیح دهد: جسمش را در چه کاری فرسوده کرده است؛ عمرش را در چه راهی طی کرده است؛ ثروتش را از چه راهی کسب کرده و در چه راهی خرج کرده است؛ و از محبت ما اهل بیت.

روایت بالا، عام و فراگیر است و شامل همه اعمال انسان و لحظه لحظه عمر او می‌شود و همان گونه که گفتیم، ریز و درشت کارهای آدمی در نامه اعمال او ثبت می‌شود به حساب می‌آید و پاداش یا جزا می‌یابد.

---

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۶۱.



## ویژگی‌های دادگاه الهی

## ۱. سرعت عمل

از اسمای حسناى الهی «سریع الحساب» است و این پیام را در بردارد که خداوند به حساب عموم بندگان به سرعت رسیدگی می‌کند. این مطلب در پرسش و پاسخی که در محضر امام علی (ع) مطرح شد، نمایان‌تر است. از آن حضرت پرسیدند: «خداوند چگونه به حساب خلقی بی‌شمار رسیدگی می‌کند؟» پاسخ دادند: «همان گونه که به آنها روزی می‌دهد.» سپس پرسیدند: «چگونه به حساب مردم رسیدگی می‌کند در حالی که آنان قاضی را نمی‌بینند؟» فرمود: «همان طور که به آنان روزی می‌دهد و او را نمی‌بینند.»<sup>۱</sup>

## ۲. قاضی استثنائی

خداوند در دادگاه قیامت به کارنامه‌های عمل خلائق رسیدگی می‌کند و حکم نهایی نیز از سوی او صادر می‌شود:

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ. (جاثیه: ۱۷)

قطعاً پروردگارت روز قیامت، میانشان درباره آنچه در آن اختلاف می‌کردند داوری خواهد کرد. با توجه به اسما و صفات خداوند متعال، از جمله، علم، عدالت، بی‌نیازی و... باید گفت هیچ کس توان آن را ندارد که مانند خداوند به عدالت و حق داوری کند. خداوند متعال علاوه بر اینکه همه اعمال ما را می‌بیند، از نیات ما نیز آگاه است و هرگز شائبه جانبداری و بی‌عدالتی و جهالت - که امکان حکم ناحق را فراهم می‌آورد - به آستان مقدس او راه ندارد. به همین دلیل می‌فرماید:

فَنَنْوِي كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَأُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا. (اسراء: ۷۱)

پس هر کس کارنامه‌اش را به دست راستش دهند، آنان کارنامه خود را می‌خوانند و به اندازه نَخ هسته خرمایی به آنها ستم نمی‌شود.

خداوند، تنها داوری است که شاهد اعمال ما و از ضمیر پنهان ما نیز آگاه است. به همین

دلیل امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید:

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۶۸.

اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخُلُوتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ.<sup>۱</sup>

از نافرمانی خدا در نهانگاه‌ها نیز پروا کنید که شاهد، همان قاضی است.

### ۳. گواهان ویژه

گواهان دادگاه الهی نیز ممتاز هستند و مانند آنها در کمتر دادگاهی یافت می‌شود. این گواهان می‌توانند یکی از گروه‌های زیر باشند:

فرشتگان: قرآن مجید می‌فرماید:

مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ. (ق: ۱۸)

[آدمی] هیچ سخنی را به لفظ در نمی‌آورد مگر مراقبی آماده نزد اوست.

پیغمبر و امامان: قرآن مجید درباره پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيداً. (نساء: ۴۱)

پس چگونه است [حالشان] آنگاه که از هر امتی گواهی آوریم و تو را بر آنان گواه آوریم؟

از امام باقر (ع) نقل شده که فرمود:

نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَحُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ.<sup>۲</sup>

ما گواهان خدا بر مردم و حجت‌های او در زمینش هستیم.

زمین و زمان: همه پدیده‌های جهان آفرینش از نوعی شعور برخوردارند و قرآن مجید بر تسبیح‌گویی آنها تصریح کرده است.<sup>۳</sup> زمان، مکان و کلیه اشیایی که به نحوی با اعمال ما در ارتباط هستند، همه آن صحنه‌ها را ثبت و ضبط می‌کنند و در روز قیامت نیز بدان‌ها شهادت می‌دهند. قرآن کریم درباره سخن گفتن و شهادت دادن زمین می‌فرماید:

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا. (زلزله: ۴-۵)

آن روز است که زمین، خبرهای خود را بازگوید [همان‌گونه] که پروردگارت به آن وحی کرده است.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

روزی بر آدمی زاده نمی‌گذرد جز آنکه به او می‌گوید: ای فرزند آدم! من، روز جدیدی هستم که

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۱۶، ص ۱۲۴۰.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۰.

۳. رک: اسراء (۱۷)، آیه ۴۴.

بر اعمال تو شاهدیم. کار نیک انجام بده تا روز رستاخیز برایت گواهی دهیم و تو از این پس، مرا نخواهی دید.<sup>۱</sup>

مردی به نام «ابو کهمس» از آن حضرت پرسید: «نمازهای نافله را بهتر است در یک مکان بخوانیم یا در مکان‌های مختلف؟» امام پاسخ داد: «در اینجا و آنجا بخوانید تا زمین، روز قیامت برایتان شهادت دهد.»<sup>۲</sup>

**اعضای بدن:** در محکمه رستاخیز، خداوند بر دهان برخی مهر می‌زند و اجازه سخن گفتن به آنان نمی‌دهد و اعضا و جوارحشان را به سخن می‌آورد تا به اعمالی که در دنیا انجام داده‌اند، شهادت دهند:

يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. (نور: ۲۴)

روزی که زبان و دست و پاهایشان علیه آنان برای آنچه انجام می‌دادند، گواهی می‌دهند. حتی پوست بدن مجرم به سخن می‌آید و ضد او گواهی می‌دهد و چنین رخدادی سبب شگفتی او می‌شود و از آن خرده می‌گیرد؛

... وَقَالُوا لِمَ جُلِدُوهُمْ لَمْ يَشْهَدُوا عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ. (فصلت: ۲۱)

و به پوست بدن خود می‌گویند: «چرا علیه ما شهادت دادید؟» می‌گویند: «همان خدایی که هر چیزی را به زبان درآورده، ما را گویا گردانیده است.»

### مدت رستاخیز

روز قیامت، مدت زمانی است که به حساب مردم رسیدگی می‌شود و بهشتیان وارد بهشت و دوزخیان نیز رهسپار جهنم می‌گردند. از آیات قرآن به دست می‌آید که نامیدن قیامت به «روز»، بدین معنا نیست که چنین روزی در برابر شب قرار می‌گیرد و «شب قیامت» هم در کار است؛ چنان که روز بودن آن نیز بدین معنا نیست که مانند روزهای دنیوی از چند ساعت محدود تشکیل شده باشد.

قیامت هر کس بستگی به اعمال و حالات او دارد بدین معنا که انسان‌های نیکوکار به دلیل

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۳۲۵.

۲. همان، ص ۳۱۸.

پاکی و صداقت و خلوصی که داشته‌اند، حسابشان نیز پاک و شفاف است و در کمترین زمان به آن رسیدگی می‌شود و آنان در جایگاه امن بهشت استقرار می‌یابند. کافران و مجرمان به دلیل آلودگی‌های فراوان و پیچیدگی کارنامه عمل، مدت زمان طولانی باید محاکمه شوند و حساب پس بدهند و چون نگران فرجام سیاه خویش و ناتوان از پاسخگویی هستند، لحظات دادرسی آنان به کندی می‌گذرد و این لحظات کشنده برای برخی به اندازه هزار سال است.

وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ. (حج: ۴۷)

و در حقیقت، یک روز [قیامت] نزد پروردگارت مانند هزار سال است از آنچه می‌شمیرید.

چنان که ممکن است پنجاه هزار سال نیز به درازا بکشد:

تَعْرِجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ. (معارج: ۴)

فرشتگان و روح، در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است به سوی او بالا می‌روند.

از روایات معصومین (ع) نیز استفاده می‌شود که کوتاهی یا درازی روز قیامت بستگی به اعمال و حالات افراد دارد. ابو سعید خدری می‌گوید: به رسول خدا (ص) گفتند: «طول روز قیامت چقدر است؟» پیامبر فرمود:

وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ إِنَّهُ لَيُخَفُّ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَتَّى يَكُونَ أَخَفُّ عَلَيْهِ مِنْ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ يُصَلِّيَهَا فِي الدُّنْيَا.<sup>۱</sup>

به کسی که جان محمد در دست اوست سوگند، آن روز بر مؤمن چنان زود می‌گذرد که از یک نماز واجب به جا آوردن در دنیا کمتر است.

امام صادق (ع) نیز با تلاوت آیه سوره معارج فرمود:

أَلَا فَحَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا فَإِنَّ فِي الْقِيَامَةِ خَمْسِينَ مَوْقِفًا كُلُّ مَوْقِفٍ مِثْلُ أَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ.<sup>۲</sup>

هان! خویشان را پیش از آنکه به محاسبه‌اش کشند، به حساب کشید که در قیامت پنجاه ایستگاه است و توقف در هر یک از آنها هزار سال است.

۱. المیزان، ج ۲۰، ص ۱۲.

۲. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۲۶.

## ب - شفاعت

«شفاعت» در زبان فارسی به معنای خواهش‌گری، پا در میانی، میانجی‌گری، درخواست و استدعای عفو و بخشش است.<sup>۱</sup> راغب اصفهانی در مفهوم آن آورده است: «شفاعت، همراه شدن با خواهشگر است برای یاری رساندن به او و بیشتر در جایی کاربرد دارد که همراه شونده (شفیع) حرمت و مرتبتی بالاتر از درخواست کننده دارد.»<sup>۲</sup>

شفاعت با همین مفهوم در باره قیامت و حساب رسی و فرجام مردمان مطرح شده و در آیات متعددی از قرآن مجید و روایات گوناگون معصومین (ع) از آن سخن به میان آمده است و می‌توان گفت از مباحث قطعی و ضروری رستاخیز است.

### حقیقت شفاعت

انسان‌ها، کم و بیش در سیر تکاملی خویش به سوی خدا دچار لغزش می‌شوند. اگر این لغزش جبران نشود، قرب به خدا میسر نمی‌گردد و هر چه انسان بیشتر از خدا دور شود، نکبت و نگون بختی او نیز بیشتر است. از سوی دیگر در میان آدمیان، کسانی هستند که مسیر قرب به سوی خدا را با سرعت و بدون لغزش طی می‌کنند، از هر چه غیر خداست می‌گسلند و به حضرت حق می‌پیوندند. چنین کسانی، چون شیرینی قرب را چشیده‌اند و از تلخی دوری از خدا نیز باخبرند، می‌کوشند تا دیگران را نیز همراه خویش به سوی حق، بالا ببرند و از دوزخ جهل و اعمال و اخلاق زشت نجات بخشند و به مینوی رحمت و نعمت الهی وارد سازند. حقیقت شفاعت نیز همین است که در دو سرای به هم پیوسته تحقق می‌یابد؛

نخست در سرای دنیا - که مقدمه آخرت است - مردم را به سوی خدا، تقوا، عمل صالح، عبادت و اطاعت از حق فرا می‌خوانند، الگوی آنان می‌شوند و آنان را به اسباب قرب رهنمون می‌سازند و تلاش می‌کنند تا پیروان خویش را با خود همراه ساخته، به سرمنزول مقصود برسانند.

همین همراهی و راهنمایی آنها در سرای دیگر (سرای آخرت) نیز نمود پیدا می‌کند و شفیعان، شفاعت شوندگان را به پیشگاه قرب ربوبی رهنمون می‌سازند. هر کس در مرحله

۱. لغت نامه، دهخدا، ج ۹، ص ۱۲۶۲۹.

۲. مفردات، واژه شفیع.

نخست، بهتر و بیشتر با رهبر و پیشوای خود همراه گردد، در مرحله دوم نیز بهره بیشتری می‌برد و از رحمت و نعمت و قرب بیشتری برخوردار می‌شود. امام راحل (ره) درباره این موضوع می‌نویسد:

رحمت خدا الان به تو احاطه کرده؛ رحمت صحت و سلامت و حیات و امنیت و هدایت و عقل و فرصت و راهنمایی اصلاح نفس. در هزاران رحمت‌گوناگون حق تعالی غوطه‌وری و استفاده از آنها نمی‌کنی و اطاعت شیطان می‌کنی! اگر از این رحمت‌ها در این عالم استفاده نکنی، بدان که در آن عالم نیز بی‌بهره هستی از رحمت‌های بی‌تناهی حق و از شفاعت شفیعان نیز محروم مانی. جلوه شفاعت شافعان در این عالم، هدایت آنهاست و در آن عالم، باطن هدایت، شفاعت است؛ تواز هدایت اگر بی‌بهره شدی، از شفاعت بی‌بهره‌ای و به هر قدر هدایت شدی، شفاعت شوی. شفاعت رسول اکرم (ص) مثل رحمت حق مطلق است، محل قابل باید از او استفاده کند، اگر خدای نخواستہ شیطان با این وسایل، ایمان را از چنگ تو ربود، دیگر قابلیت رحمت و شفاعت نخواهی داشت.<sup>۱</sup>

امیر مؤمنان، حضرت علی (ع)، نیز به آدمیان چنین سفارش می‌کند:

إِسْتَجِيبُوا الْأَنْبِيَاءَ اللَّهَ وَ سَلِّمُوا لِأَمْرِهِمْ وَ اعْمَلُوا بِطَاعَتِهِمْ تَدْخُلُوا فِي شَفَاعَتِهِمْ.<sup>۲</sup>

دعوت پیامبران الهی را پاسخ‌گویید، فرمانشان را گردن نهید و به فرموده‌هایشان عمل کنید تا در زمره شفاعت آنان در آیید.

### شفاعت کنندگان

#### ۱. بزرگان معصوم (ع)

پیامبران و جانشینان معصوم آنان، نخستین و بهترین شافعان روز قیامت‌اند؛ چنان که رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

الْشَّفَاعَةُ لِلْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ.<sup>۳</sup>

شفاعت از آن پیامبران و جانشینان آنهاست.

۱. چهل حدیث، امام خمینی، ص ۱۵۰ - ۱۵۱.

۲. شرح غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۴۶.

۳. همان، ص ۳۷.

در میان معصومین، رسول اعظم (ص) از جایگاهی ویژه برخوردار است که از آن به «مقام محمود» یاد شده است. ایشان در آن مرتبت والا هر چه از خدا بخواهد عطايش خواهد کرد. از جمله خود ایشان فرموده است:

إِذَا قُتِلَ الْمُقَامُ الْمُحْمَدُ تَشَفَّعْتُ فِي أَصْحَابِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي فَيُشَفَّعُنِي اللَّهُ فِيهِمْ...<sup>۱</sup>

آن گاه که در مقام محمود بایستم، برای صاحبان گناهان کبیره از اتم شفاعت خواهم کرد و خداوند نیز شفاعتم را خواهد پذیرفت.

## ۲. قرآن

قرآن مجید در روز رستاخیز، شافع پیروان خویش است و شفاعتش پذیرفته است. امیر مؤمنان (ع) می فرماید:

مَنْ شَفَعَ لَهُ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شُفِّعَ فِيهِ.<sup>۲</sup>

روز قیامت، قرآن برای هر کس شفاعت کند، پذیرفته می شود.

## ۳. علما

عالمان ربانی، که عمر خویش را وقف ارشاد و هدایت مردم می کنند و با قلم و بیان و انفسا قدسی خود، انبوهی از آدمیان را با شریعت آسمانی آشنا می سازند و آنان را در سیر به سوی خدا تشویق می کنند، در رستاخیز شافع آنان می شوند. امام صادق (ع) فرمود:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ... قِيلَ لِلْعَابِدِ انْطَلِقْ إِلَى الْجَنَّةِ وَقِيلَ لِلْعَالِمِ قَفْ تَشْفَعُ لِلنَّاسِ بِحَسَنِ تَأْدِيبِكَ هُمْ.<sup>۳</sup>

چون رستاخیز شود، به عابد گویند: به سوی بهشت روانه شو؛ ولی به عالم گویند: بایست و مردم را شفاعت کن همان گونه که نیکو تربیتشان کردی.

## ۴. شهدا

گلگون کفنان غیر تمند که با شهادت خود، در راه خدا، خیل عظیمی از مردمان را با وظیفه خود آشنا ساخته و نیز، بر تدین و عزت آنان افزوده اند، در قیامت به شفاعت آنان برمی خیزند. رسول اکرم (ص) در روایتی فرموده است:

۱. بحار الانوار، ج ۸، ص ۵۸.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵، ص ۵۶۷.

۳. بحار الانوار، ج ۸، ص ۵۶.

ثَلَاثَةٌ يَشْفَعُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيُشَفَّعُونَ: الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْعُلَمَاءُ ثُمَّ الشُّهَدَاءُ.<sup>۱</sup>

سه گروه در پیشگاه خداوند بزرگ دست به شفاعت برمی دارند و شفاعتشان پذیرفته می شود؛ نخست پیامبران، سپس عالمان و پس از آن شهیدان.

### ۵. عمل صالح

در برخی روایات، به اعمال نیکی اشاره شده که می توانند از صاحب خویش شفاعت کنند. امیر مؤمنان (ع)، حق مداری و راستگویی را دارای چنین نقشی دانسته، می فرماید:

شَافِعُ الْخَلْقِ الْعَمَلُ بِالْحَقِّ وَ لُزُومُ الصِّدْقِ.<sup>۲</sup>

عمل به حق و التزام به راستی، شفاعتگر خلق هستند.

و درباره توبه نیز می فرماید:

لَا شَفِيعَ أَتَحِجُّ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ.<sup>۳</sup>

هیچ شفيعی کار آمدتر از طلب آمرزش نیست.

در روایتی که از پیامبر اکرم (ص) آمده است از شفاعت امانتداری و صله رحم نیز، سخن به میان آمده است.<sup>۴</sup>

### محرومان از شفاعت

از روایات برمی آید که رشته اتصال میان شافع و شفاعت شونده ایمان به خداوند متعال است و مؤمنان حقیقی، گر چه به گناهان کوچک یا بزرگ آلوده شده باشند، امید شفاعت شدنشان می رود و در مرحله ای از مراحل رستاخیز نجات خواهند یافت. حتی احتمال دارد برای برخی جرم های سنگین به دوزخ نیز در آیند، ولی پس از مدتی شفاعت شوند. از امام رضا (ع) نقل شده که فرمود:

مُذْنِبُوا أَهْلَ التَّوْحِيدِ يَدْخُلُونَ النَّارَ وَ يَخْرُجُونَ مِنْهَا وَ الشَّفَاعَةُ جَائِزَةٌ لَهُمْ.<sup>۵</sup>

گناهکاران اهل توحید، وارد جهنم می شوند و از آن بیرون می آیند و شفاعت درباره آنان روا باشد.

۱. همان، ص ۳۴.

۲. شرح غرر الحکم، ج ۴، ص ۱۹۲.

۳. همان، ج ۶، ص ۳۸۳.

۴. بحار الانوار، ج ۸، ص ۴۳.

۵. همان، ص ۴۰.



اما کسانی که ایمان نیاورده، در وادی کفر و شرک گام برمی دارند، شایسته شفاعت نیستند و از آن محروم خواهند شد. حضرت محمد (ص) فرموده است:

الشَّفَاعَةُ لَا تَكُونُ لِأَهْلِ الشَّكِّ وَ الشَّرْكِ وَ لَا لِأَهْلِ الْكُفْرِ وَ الْجُحُودِ بَلْ يَكُونُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ.<sup>۱</sup>

شفاعت شامل اهل شك، مشرکان، کافران و منکران حق نمی گردد؛ بلکه ویژه اهل توحید است.

### پرسش

۱. چهار چیز که در قیامت مورد پرسش قرار می گیرند، کدامند؟
۲. ویژگی های دادگاه الهی را برشمارید.
۳. چگونه اعضای بدن علیه انسان گواهی می دهند؟
۴. شاهدان قیامت کیانند؟
۵. مفهوم شفاعت چیست؟
۶. شفیعان چند گروهند؟ نام ببرید.
۷. شفاعت شامل چه کسانی می شود؟
۸. چه گروهی از شفاعت محروم اند؟

۱. همان، ص ۵۸.

## دوزخ و بهشت

### الف - دوزخ و دوزخیان

اعتقاد به دوزخ از مسائل قطعی و مسلم همه ادیان توحیدی است. امام خمینی (ره) می‌فرماید: وجود جهنم و عذاب الیم آن، از ضروریات جمیع ادیان و واضحات برهان است و اصحاب مکاشفه و ارباب قلوب در همین عالم نمونه آن را دیده‌اند.<sup>۱</sup> علامه طباطبائی فرموده است:

آیاتی که پیرامون دوزخ و توصیف آن در قرآن مجید آمده، از آیات بهشتی افزون‌تر است، این آیات در حدود چهار صد مورد است و در بسیاری از سوره‌ها به طور صریح یا تلویحی از دوزخ یاد شده است.<sup>۲</sup>

### حقیقت دوزخ

از متون اسلامی برداشت می‌شود که جهنم با همه اوصافی که دارد نتیجه افکار، اخلاق و اعمال زشت آدمیان است و هر گونه عذاب دردناکی که در آن ظهور می‌یابد ساخته و پرداخته دوزخیان است؛ چنان که درکات و سختی‌های آن نیز به تناسب زشتی اعمال دوزخیان است و هر چه کردار آنان ناهنجارتر باشد، عذابی که در جهنم می‌بینند سخت‌تر است. قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

---

۱. چهل حدیث، ص ۲۴.

۲. معادشناسی، حسینی طهرانی، ج ۱۰، ص ۲۱۰ (نقل به مضمون).

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ. (مدثر: ۳۸)

هر کسی در گرو دستاورد خویش است.

همان گونه که هر کس موافق عمل خویش کیفر می‌بیند:

لَا يَذُوْقُوْنَ فِيْهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا اِلَّا حَمِيْمًا وَغَسَّاْقًا جَزَاءً وِفَاقًا. (نبأ: ۲۴-۲۶)

در دوزخ نه خنکی می‌چشند و نه شربتی جز آب جوشان و چرکابه‌ای. این کیفری است مناسب [با جرمشان].

تبهکاران و ملحدان، جایگاه هولناک آخرتشان را با دست خویش می‌سازند و آتش و زقوم و حمیم و زنجیر آتشین و گندابه جوشان دوزخ و... همه ثمره اعمال زشت خود آنان است.

عارف کامل و سالک راه خدا، حضرت امام خمینی (ره)، در این باره می‌فرماید:

جهنم و عذاب‌های گوناگون عالم ملکوت و قیامت، صورت‌های عمل و اخلاق خود تو است. توبه دست خود، خویشتن را دچار ذلت و زحمت کردی و می‌کنی، تو با پای خود به جهنم می‌روی و به عمل خود، جهنم درست می‌کنی. جهنم نیست جز باطن عمل‌های ناهنجار تو. ظلمت‌ها و وحشت‌های برزخ و قبر و قیامت نیست جز ظل ظلمانی اخلاق فاسده و عقاید باطله بنی‌الانسان... اگر اعمال بنی‌الانسان نبود و صورت‌های غیبی عمل‌های زشت ما نبود، جهنمی نبود و همه عالم غیب، برد (خنک) و سلامت بود.<sup>۱</sup>

آیات و روایات فراوانی تناسب میان اعمال زشت و شکنجه‌های دوزخی را بیان کرده‌اند که به ذکر دو نمونه بسنده می‌کنیم:

قرآن مجید هشدار می‌دهد که رذیله خطرناک بخل - به ویژه نسبت به حقوق واجب الهی - در روز قیامت طوق آتشینی می‌شود بر گردن بخیل:

سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ... (آل عمران: ۱۸۰)

آنچه به آن بخل ورزیده‌اند، روز قیامت طوق گردنشان می‌شود.

روزی مردی نزد امام حسین (ع) زبان به غیبت مسلمانی گشود. امام به او فرمود:

۱. شرح حدیث جنود عقل و جهل، امام خمینی، ص ۱۴۱-۲۴۲.

يَا هَذَا كَفَّ عَنِ الْعَبِيَّةِ فَأَتَاهَا إِذَا مِ كِلَابِ النَّارِ<sup>۱</sup>

ای فلانی! غیبت نکن که غیبت، نانخورش سگ‌های دوزخ است.

### شگفتی‌های دوزخ

دوزخ از شگفت آورترین پدیده‌های آفرینش و دارای درک و شعور است و دوزخیان را به خوبی می‌شناسد و آنان را از میان مردم جدا می‌کند:

كَلَّا إِنَّهَا لَنَظَىٰ نَزَّاعَةً لِّلشَّوَىٰ تَدْعُو مِّنَ الْأَدْبَرِ وَ تَوَلَّىٰ. (معارج: ۱۵-۱۷)

نه چنین است. آتش دوزخ زبانه می‌کشد، پوست سر و اندام را می‌کند و می‌برد [و] هر که را پشت کرده و روی برتافته فرامی‌خواند.

دوزخ از جای جای خویش و تعداد دوزخیان و ظرفیت پر شده و خالی خود باخبر است.

يَوْمَ نَقُولُ لِحَبَّهْمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَ نَقُولُ هَلْ مِن مَّزِيدٍ. (ق: ۳۰)

روزی که به جهنم می‌گوییم آیا از وجود کافران مملو شدی؟ و او می‌گوید آیا دوزخیان بیش از این هم هستند؟

همچنین از بینایی برخوردار است:

إِذَا رَأَتْهُمْ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَ زَفِيرًا. (فرقان: ۱۲)

چون دوزخ، آنان را از فاصله‌ای دور ببیند، خشم و خروشی از آن بشنوند.

### دوزخیان

واژه‌های اصحاب النار، اصحاب السعیر، اصحاب الجحیم و اصحاب المشئمه، در قرآن مرادف دوزخیان است. واژه نخستین بیش از دیگر واژه‌ها در آیات قرآن به کار رفته است. آیات مربوط به دوزخ، اوصاف، نوع گناه، نوع عذاب، گفت و گوی دوزخیان، مشاجره آنان با یکدیگر، درخواست و نیاز آنان و... را بیان کرده و همانند سایر آیات پیرامون قیامت، در نوع خود بی‌نظیر است؛ بدین معنا که کسی جز خدا و آن که علمش را از خدا فرا گرفته نمی‌تواند از جهان آخرت سخن بگوید. اکنون با استمداد از آیات و روایات به شرح گوشه‌ای از حالات دوزخیان می‌پردازیم:

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۷.

### ۱. نزاع و نفرین

تبهکاران و مفسدان همان گونه که در این سرا گرفتار تفرقه، عداوت و پراکندگی اندیشه‌ها و دل‌ها هستند، در دوزخ نیز به نزاع و متهم ساختن یکدیگر می‌پردازند و جملگی تلاش می‌کنند که دیگران را سبب بدفرجامی خود معرفی کنند:

وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمُ لَعْنًا كَبِيرًا. (احزاب: ۶۷-۶۸)

و می‌گویند: «پروردگارا ما رؤسا و بزرگتران خود را اطاعت کردیم و ما را از راه به در کردند پروردگارا آنان را دو چندان عذاب ده و لعنتشان کن لعنتی بزرگ!»

و درباره نزاع و پرخاش دوزخیان می‌فرماید:

إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُّمُ أَهْلِ النَّارِ. (ص: ۶۴)

این مجادله اهل آتش قطعاً راست است.

نزاع و نفرین دوزخیان هیچ سودی به حالشان ندارد و هر يك بر اساس نامه کردار خویش مجازات می‌بیند، گر چه کینه توزی و خصومت و تفرقه نیز به اندازه خود، جو غیر قابل تحمل دوزخ را کشنده‌تر می‌کند و نوعی شکنجه روحی است و سوزش و عذاب را دو چندان می‌کند.

### ۲. جایگاه‌های سوزناك

چنان که در درس پیش یادآور شدیم، دوزخ، درکات و طبقات گوناگونی دارد که هر يك از دیگری سوزناك‌تر و دردآورتر است و هر گروهی از دوزخیان به تناسب جرم و خیانت خود، در آنها جای می‌گیرند. امام صادق (ع)، طبقات دوزخ را هفت تا دانسته است.<sup>۱</sup> قرآن مجید درباره منافقان می‌فرماید:

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَهُمْ صَابِرًا. (نساء: ۱۴۵)

منافقان در فروترین درکات دوزخ‌اند و هرگز برای آنان باوری نخواهی یافت.

مشرکان و کافران، که در میدان‌های اندیشه، عمل و اخلاق گرفتار فساد و تباهی گشته‌اند و در واقع، آتش بیار معرکه انحراف بوده‌اند، در آنجا نیز آتشگیره دوزخ‌اند:

۱. رك: بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۱۰.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ.

(آل عمران: ۱۰)

در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند، اموال و اولادشان چیزی از عذاب خدا را از آنان دور نخواهد کرد و آنان خود هیزم دوزخ‌اند.

### ۳. حالت‌های وحشت‌زا

دوزخیان همان گونه که همواره در عذاب و شکنجه جسمی و روحی به سر می‌برند، می‌سوزند و می‌سازند، قیافه‌های وحشتناکی نیز دارند که خود برای دیگر دوزخیان، نوعی شکنجه محسوب می‌شود.

### خلود و خروج

جاودانگی یا محدود بودن توقف بهشتیان و دوزخیان در بهشت و جهنم از دیرباز محل بحث بوده است. آنچه مسلم و مورد اتفاق است اینکه بهشتیان تا ابد در بهشت اقامت خواهند گزید و هیچ کس از آنجا بیرون نخواهد رفت. وجود قید «خالدین فیها» در آیات مربوط به بهشتیان بر همین نکته تأکید دارد؛<sup>۱</sup> اما فرجام دوزخیان از نظر مدت ماندن در جهنم یکسان نیست و احتمال دارد برخی از آنان، روزی از دوزخ نجات یابند؛ چنان‌که بی‌شماری از دوزخیان نیز تا ابد در آن گرفتار خواهند ماند.

بسیاری از آیات قرآن، بر خلود در آتش تأکید می‌کنند و اعلام می‌دارند که کسانی چون کافران، مستکبران، مجرمان، منافقان و عاصیان تا ابد در دوزخ خواهند ماند. در برخی از آیات نیز قید «خالدین» نیامده است، ولی مطلبی که دال بر خروج از دوزخ و موقتی بودن عذاب برخی از دوزخیان باشد نیز در این دسته از آیات به چشم نمی‌خورد گرچه اهل بیت پیامبر (ص) با استناد به قرآن و معارف و حیانی، بر این مطلب بالا تأکید کرده‌اند. به عنوان نمونه: امام رضا (ع) در نامه‌ای به مأمون می‌نویسد:

خداوند هیچ مؤمنی را به دوزخ نمی‌برد؛ چراکه به او وعده بهشت داده است و هیچ کافری را از جهنم خارج نمی‌سازد؛ چراکه او را از آن بیم داده است و در آن جاودانه خواهد ماند، ولی

۱. رک: المعجم المفهرس لألفاظ القرآن، واژه خلد.

گناهکاران اهل توحید داخل دوزخ می‌شوند و [پس از مدتی] از آن خارج می‌شوند و شفاعت، آنان را روا باشد.<sup>۱</sup>

امام کاظم (ع) نیز با تلاوت آیه ۳۱ سوره نساء فرمود:

خداوند جز کافران و ملحدان و گمراهان و مشرکان را جاودانه دوزخ نمی‌سازد و هر کس از گناهان کبیره پرهیز کند، گناهان صغیره‌اش بخشیده می‌شود و رسول خدا (ص) فرموده است: من شفاعتم را برای گناهان کبیره اتمم نهاده‌ام.<sup>۲</sup>

شفاعت، امکان دارد پیش از ورود به دوزخ نصیب فرد گنهکار شود؛ چنان‌که ممکن است پس از توقف سالیان دراز در دوزخ شامل حال او گردد. برای مثال، امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: لَا تَسْتَغْفِرُوا عُقُوبَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِنَّ مِنَ الْمُسْرِفِينَ مَنْ لَا تَلَحُّقَهُ شَفَاعَتُنَا إِلَّا بَعْدَ عَذَابٍ ثَلَاثٍ مِائَةِ أَلْفٍ سَنَةٍ.<sup>۳</sup>

کیفر خداوند بزرگ را اندک نشمرید؛ زیرا شفاعت ما به برخی از مسرفان نمی‌رسد مگر پس از سیصد هزار سال عذاب.

## ب - بهشت و بهشتیان

بهشت، منزلگاه حقیقی و وطن اصلی انسان است که به تعبیر امیر مؤمنان (ع):

كُلُّ نَعِيمٍ دُونَ الْجَنَّةِ فَهُوَ مُحْقُورٌ.<sup>۴</sup>

هر نعمتی که کمتر از بهشت باشد، حقیر است.

در بیش از نود سوره قرآن کریم، از بهشت، این جایگاه آرمانی مؤمنان، یاد شده و نزدیک به سیصد آیه، در وصف آن سخن گفته است. به همین دلیل، بسیار روشن است که ترسیم و توصیف ابعاد گوناگون بهشت برین از منظر آیات و روایات، کتاب‌های متعددی می‌طلبد و در این مجال باید به ذکر کلیاتی پیرامون آن بسنده کرد.

۱. بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۶۲.

۲. همان، ص ۳۵۱.

۳. بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۵۴.

۴. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۸۷.

### عناوین بهشت

واژه «جنت»، که به معنای بهشت است، در شکل‌های مختلف نزدیک به ۱۵۰ بار در قرآن مجید آمده است و مفهوم رایج آن نیز باغ و بوستان است. با توصیفی که در قرآن و روایات آمده، باید گفت: بهشت، باغ بسیار خرم و دلربایی است با هوای بسیار لطیف، درخت‌های پر شاخ و برگ، انواع و اقسام میوه‌های لذیذ، غذاهای خوش طعم، نهرهای جاری، قصرهای زیبا، همسران شایسته و نیکوروی، وسیع و آباد، بدون هیچ‌گونه زشتی و آفت، با صفا و طراوت، جاودانه، متنوع و نشاط آور، همه نعمت‌های آن پایدار و با شعورند، هیچ نعمتی با مصرف کردن، فرسوده و ناقص نمی‌شود، کسالت و دلزدگی به آن راه ندارد و.... با این وصف، بهشت از مراتبی برخوردار است که با استفاده از آیات و روایات به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

#### ۱. جَنَّتِ عَدْن

این عنوان در یازده آیه قرآن آمده است؛ از جمله:

جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ. (رعد: ۲۳)

بهشت‌های عدن که آنان با پدران‌شان و همسرانشان و فرزندان‌شان که درستکارند در آن داخل می‌شوند و فرشتگان از هر دری بر آنان در می‌آیند.

#### ۲. جَنَّتِ الْفِرْدَوْس

این واژه در دو آیه قرآن آمده است. در یکی از آنها می‌فرماید:

الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. (مؤمن: ۱۱)

همانان که بهشت فردوس را به ارث می‌برند و در آنجا جاودان می‌مانند.

#### ۳. جَنَّتِ نَعِيم

این عنوان نیز ده بار در آیات قرآن آمده که در یکی از آنها می‌خوانیم:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ هُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ. (لقمان: ۸)

در حقیقت، کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، باغ‌های پر نعمت خواهند داشت.



#### ۴. جَنَّتِ الْمَأْوَى

این ترکیب نیز دو بار در قرآن مجید به کار رفته است از جمله:

أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. (سجده: ۱۹)

اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، در برابر آنچه انجام داده‌اند در جنات المأوی جای خواهند گرفت.

امام باقر (ع) در روایتی ضمن اشاره به بهشت‌های چهارگانه می‌فرماید:

وَإِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ جَنَّاتٍ مَّخْفُوفَةً بِهَذِهِ الْجَنَّةِ.<sup>۱</sup>

خداوند بزرگ بهشت‌های دیگری دارد که در لایه‌لای این بهشت‌های چهارگانه قرار دارند.

#### ۵. بهشت ویژه

خداوند در سراسر قرآن مجید تنها یک بار، بهشت را به خود نسبت داده و فرموده است:

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي. (فجر: ۲۷ - ۳۰)

ای نفس مطمئننه! خشنود و خدایسند به سوی پروردگارت بازگرد و در میان بندگان من درآی و در بهشت من داخل شو.

چنین جایگاهی، ویژه پروا پیشگان فرزانه‌ای است که پروانه وار گرد شمع حق می‌سوزند و در میان ساکنان زمین و آسمان تنها او را می‌جویند؛ چنان که در تعبیر دیگری در این باره فرموده است:

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ. (قمر: ۵۴)

در حقیقت، مردم پرهیزگار در میان باغ‌ها و نهرها، در قرارگاه صدق، نزد پادشاهی توانایند.

#### مراتب بهشت

همان گونه که انسان‌ها از نظر فکر، اخلاق و اعمال صالح در یک سطح نیستند و در مراتب گوناگونی قرار دارند، پاداش و مقامات بهشتی آنان نیز یکسان و همگون نیست. قرآن مجید حتی پیامبران الهی را دارای منزلت‌های مختلف می‌داند و می‌فرماید:

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ.... (بقره: ۲۵۳)

۱. بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۶۱.

برخی از پیامبران را بر برخی دیگر برتری می‌بخشیدیم؛ از آنان کسی بود که خدا با او سخن گفت و درجات بعضی را بالا برد.

امیر مؤمنان (ع) در وصف بهشت می‌فرماید:

دَرَجَاتُ مُتَفَاضِلَاتٍ وَ مَنَازِلُ مُتَفَاوِتَاتٍ لَا يَنْقَطِعُ نَعِيمُهَا وَلَا يَطْعَنُ مُعِيمُهَا وَلَا يَهْرَمُ خَالِدُهَا وَلَا يَبْئَسُ سَاكِنُهَا.<sup>۱</sup>

بهشت دارای درجات گوناگون و منازل متفاوت است. نعمت‌هایش قطع نمی‌شود و ساکنانش کوچ نمی‌کنند و با اینکه جاودانه درآیند، پیر نمی‌شوند و محتاج نمی‌گردند.

با دقت در آیاتی که به مناسبت‌های گوناگون به توصیف بهشت می‌پردازند نیز در می‌یابیم که بهشتیان به تناسب نیکی‌های خویش در بهشت جای می‌گیرند. آیه زیر بر این مطلب تصریح می‌کند:

وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا. (انعام: ۱۳۲)

برای هر يك، درجاتی است از آنچه انجام داده‌اند.

تفاوت میان درجات بهشت نیز فراوان است. امام رضا (ع) این تفاوت را به فاصله زمین تا آسمان دانسته است.<sup>۲</sup>

### پاداش بهشتیان

اوج شادی و شغف بهشتیان برای ساکنان خراب‌آباد دنیا قابل ادراک نیست و تنها خدا می‌داند که بهشتیان در چه درجه‌ای از سرور و بهجت به سر می‌برند. بخشی از آن درجات والا در آیات و روایات بیان شده است:

#### ۱. خوش آمدگویی فرشتگان

اهل بهشت در آغاز ورود، توسط فرشتگان مورد استقبال قرار می‌گیرند: قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. (نحل: ۳۲)

کسانی که فرشتگان جانیشان را - در حالی که پاک‌اند - می‌ستانند [و به آنان] می‌گویند: درود بر شما! به پاداش آنچه انجام می‌دادید به بهشت درآیید.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۸۴، ص ۲۰۴.

۲. البرهان، بحرانی، ج ۱ ص ۳۲۵.

همچنین به آنان خطاب می‌شود:

أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ. (حجر: ۴۶)

با سلامت و ایمنی در آنجا وارد شوید.

## ۲. تأمین خواسته‌ها

خداوند از بهشتیان خوشنود است و خواسته‌های آنان را بر می‌آورد.

قرآن مجید در آیات متعددی بر این مطلب تأکید کرده است. از جمله می‌فرماید:

وَأُزِلَّتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ... هُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ. (ق: ۳۱ و ۳۵)

و بهشت - بی آنکه دور باشد - برای متقیان نزدیک آید... هر چه بخواهند در آنجا دارند و پیش ما

افزون‌تر هم هست.

## ۳. جاودانگی

بهشتیان پس از ورود به بهشت، هرگز از آن خارج نمی‌شوند و برای همیشه در آن می‌مانند. این

نکته در بسیاری از آیات قرآن به چشم می‌خورد:

خَالِدِينَ فِيهَا حَسَنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا. (فرقان: ۷۶)

در آنجا جاودانه خواهند ماند، چه خوش قرارگاه و مقامی!

## ۴. خوشی‌های پایدار

چنان‌که حضور بهشتیان در بهشت جاودان است، نعمت‌های آنان نیز چنین است. در

حدیثی از امام باقر (ع) آمده است:

بهشتیان زنده‌اند و دیگر نمی‌میرند، بیدارند و هرگز نمی‌خوابند، بی‌نیازند و هیچ‌گاه نیازمند

نمی‌شوند، شادمانند و غمگین نمی‌گردند، می‌خندند و نمی‌گریند، محترم هستند و هرگز

تحقیر نمی‌شوند، بشاش هستند و ابرو درهم نمی‌کشند، همواره پر نشاط‌اند، غذا می‌خورند و

هیچ‌گاه گرسنه نمی‌شوند، آب می‌نوشند و هرگز تشنه نمی‌شوند، لباس به تن دارند و عریان

نمی‌مانند، تا ابد مرکب سوار می‌شوند و به دیدار یکدیگر می‌روند، پسرکان بهشتی بر آنان سلام

می‌کنند و همواره با ظرف‌های سیمین و زرین از آنان پذیرایی می‌کنند، پیوسته بر تخت تکیه

زده و تماشاگرند و از سوی خداوند به آنان سلام و تحیت اهدا می‌شود. از خداوند می‌خواهیم

که از روی رحمت، بهشت را نصیب ما نیز بفرماید!<sup>۱</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۲۰.

## ۵. خشنودی پروردگار

نعمت‌های بهشتی هر قدر شیرین و شادی آفرین باشد، از یاد خداوند متعال که آفریننده همه چیز است، گواراتر نخواهد بود و بهشتیان با بهره‌مندی از «نعمت‌ها» همواره به یاد «منعم» خود هستند و به کسانی که چنین نیستند طعنه می‌زنند که:

چرا زاهد اندر هوای بهشت است چرا بی خبر از بهشت آفرین است  
اینان رضایت و خشنودی الهی را فراتر از هر نعمتی می‌دانند و آن را با هیچ یک از نعمت‌های بهشتی سودا نمی‌کنند. امام سجاد (ع) می‌فرماید:

وقتی بهشتیان در جایگاه‌های خویش اسکان می‌یابند و نعمت‌های بهشتی از هر نوع آنان رادر بر می‌گیرند، از سوی خداوند به آنان خطاب می‌شود: «ای دوستان و مطیعان و ساکنان بهشت من! آیا شما را به چیزی بهتر از وضعیت کنونی آگاه سازم؟» می‌پرسند: «ای پروردگار ما آن چیست؟» خداوند می‌فرماید: «بهتر از این نعمت‌هایی که شما را احاطه کرده، خشنودی و محبت من نسبت به شما است!» آنان جملگی به وجد آمده، می‌گویند: «آری پروردگار ما خشنودی و محبت تو برایمان بهتر و پسندیده‌تر است.»

سپس امام سجاد (ع) این آیه را تلاوت کرد:

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ<sup>۱</sup>. (توبه: ۷۲)

خداوند به مردان و زنان با ایمان باغ‌هایی وعده داده است که از زیر [درختان] آنها نهرها جاری است در آن جاودانه خواهند ماند و نیز سراهایی پاکیزه در بهشت‌های جاودان [به آنان وعده داده است] و خشنودی خدا بزرگ‌تر است. این همان کامیابی بزرگ است.

## شرایط ورود به بهشت

### ۱. ایمان و عمل صالح

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ. (حج: ۲۳)

خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند در باغ‌هایی که زیر [درختان] آن نهرها روان است در می‌آورد.

۱. همان، ص ۱۴۰-۱۴۱.

## ۲. تقوا

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ. (حجر: ۴۵)

بی گمان، متقیان در باغ‌ها و چشمه ساران (بهشتی) اند.

## ۳. پاکی دل و روح

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ. (زمر: ۷۳)

درود بر شما پاکیزه شدید، در بهشت در آید و جاودانه بمانید.

## ۴. اطاعت از خدا و پیامبر

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ... (فتح: ۱۷)

و هر کس خدا و پیامبر او را فرمان برد، وی را در باغ‌هایی که زیر [درختان] آن نهرهایی روان است درمی آورد.

## پرسش

۱. نظر امام خمینی (ره) درباره وجود دوزخ چیست؟
۲. در چند آیه قرآن، سخن از دوزخ به میان آمده است؟
۳. شگفتی‌های جهنم را بنویسید.
۴. چرا دوزخیان به نزاع و نفرین یکدیگر می‌پردازند؟
۵. آیا دوزخیان برای همیشه در دوزخ می‌مانند؟
۶. سه عنوان از عناوین بهشت را نام ببرید.
۷. درباره درجات بهشت توضیح دهید.
۸. شرایط ورود به بهشت چیست؟

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم.  
نهج البلاغه.  
اصول کافی، کلینی، اسلامیة، ۱۳۸۸ ق.  
البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی، اسماعیلیان، ۱۳۹۴ ق.  
بحار الانوار، مجلسی، چاپ ایران، ۱۴۰۳ ق.  
پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی، قم، ۱۳۶۷.  
تحف العقول، حرّانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم.  
تسلیة الفوائد، شبر، بصیرتی، قم.  
تفسیر صافی، فیض کاشانی، المكتبة الاسلامیة.  
تفسیر نمونه، زیر نظر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۸.  
تفسیر نور الثقلین، حویزی، علمیة، قم، ۱۳۸۳ ق.  
جهل حدیث، امام خمینی، مؤسسه نشر آثار امام.  
حق الیقین، مجلسی، علمیة اسلامیة.  
سفینة البحار، شیخ عباس قمی، بیروت.  
شرح حدیث جنود عقل و جهل، امام خمینی، مؤسسه نشر آثار امام، ۱۳۷۸.  
شرح غرر الحکم و دررالکلم، آمدی، دانشگاه تهران.  
الصحيح من سيرة النبي الاعظم، جعفر مرتضى عاملی، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۲ ق.

صحیفه سجادیه

فروع کافی، کلینی، اسلامیة.

کنز العمال، هندی، بیروت.

لغت نامه، دهخدا، دانشگاه تهران.

لهوف، سید بن طاووس، رضی، قم.

مجمع البیان، طبرسی، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۳۹.

مجموعه آثار، شهید مطهری، صدرا، تهران.

محنة البیضاء، فیض کاشانی، مکتبة صدوق، ۱۳۳۹.

معاد، شهید دستغیب، شیراز، ۱۳۶۳.

معاد انسان و جهان، سبحانی، صدر، ۱۳۵۸.

معادشناسی، حسینی طهرانی، حکمت، ۱۳۶۰.

معاد و فردای جاویدان، موسوی لاری، اسلامی.

معانی الاخبار، شیخ صدوق، مکتبة صدوق، ۱۳۷۹ ق.

المعجم المفهرس لالفاظ قرآن الکریم، محمد فؤاد عبدالباقی، نوید اسلام، قم.

مفردات، راغب اصفهانی، مرتضویه، ۱۳۶۲.

مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، شهید مطهری، صدرا.

المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سید محمد حسین طباطبائی، اسماعیلیان، قم.

میزان الحکمة، محمدی ری شهری، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.

وسائل الشیعه، حرّ عاملی، بیروت.